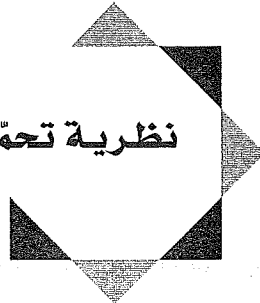




## نظرية تحمّل التبعة



Sabir  
180027

د. هلال بن محمد بن ناصر الراشدي  
(عضو المكتب الفني بالمحكمة العليا، سلطنة عُمان)

İSLAM DÜNYASINDAKİ  
SONRA GELEN DOKÜ

اعمال ندوة تطور العلوم الفقهية

# النَّظَرِيَّةُ الْفَقْهِيَّةُ وَالنِّظَامُ الْفَقْهِي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

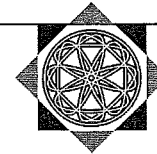
### مقدمة

الحمد لله الذي هدانا للإسلام، وبين لنا الحلال والحرام، والصلاة والسلام على حبيبنا سيدنا محمد القائل: «لا ضرر ولا ضرار في الإسلام»، صلوات الله وسلامه عليه وعلى آله وصحبه وسلم أجمعين.

إن الله خلق الإنسان كائناً اجتماعياً بطبعه، مدنياً بفطرته، لا يمكنه أن يعيش بمفرده، فهو ناقص بذاته كامل ببني جنسه، فكل فرد من بني البشر يسد نقص غيره ويسد نقصه بهم. وهذه الطبيعة في بني البشر تستلزم نظاماً يضبطها وقانوناً يحدّها؛ كي لا تطفئ مصلحة على أخرى، أو يلحق شخص الضرر بغيره، ولقد عرفت المجتمعات على مر العصور تطوراً في المبادئ والأسس التي تقوم عليها مسؤولية الفرد عن تصرفاته، فلم تعد عادات الأخذ بالثأر ومعاينة الشخص بجريرة غيره مقبولة.

إن البحث في موضوع المسؤولية المدنية من أهم الموضوعات؛ وذلك لأن تعامل الإنسان مع بني جنسه ينتج عنه في الواقع منازعات وخصومات يومية، فلا بد من وضع حلول وأنظمة تحفظ حقوق أفراد المجتمع وتضمن عدم تعدي كل فرد منه على الآخر.

ونظراً لأن الموضوع المسند إليّ يحته يحمل عنوان «نظرية تحمّل التبعة»، وهذا مصطلح قانوني حديث لم يعرف عند فقهاء الشريعة بذات الفهم عند فقهاء القانون، ففي مصطلح القانون يراد به تحمّل المتبوع مسؤولية عمل تابعه، بينما فقهاء الشريعة يحملونه على معناه الواسع بحسب مقتضيات اللغة، فالتبعة معهم بمعنى المسؤولية، ولهذا سيقصر هذا البحث على معناه القانوني، وهو مسؤولية المتبوع عن عمل تابعه.



Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	239857
Tas. No:	277-5 AMAN

المنعقدة خلال عام:  
18-15 جمادى الأولى 1433هـ / 7-10/4/2012م

1434/2013 Uman

است. صبر به دو نوع تقسیم شده است: صبر جسمانی، صبر نفسانی.

الف) صبر جسمانی این است که انسان به قدر قوهٔ بدنی و نهایت معلوم آن زحمتهای و مشقاتی را متحمل شود. این گونه صبر برای افراد تنومند آسان است ولی در حکمت عملی مشتمل بر فضیلت و کرامتی نیست. صبر جسمانی گاهی در فعل، مثل راه رفتن و ورزش کردن و گاهی در انفعال، مثل صبر بر بیماری یا بردباری در مقابل سوانح بدنی مانند سوختگی و شکستگی است؛

ب) صبر نفسانی، مبتنی بر شرافت و فضیلت انسان است و مشتمل بر دو فرع است: ۱) صبر از شهوات، که عفت نامیده شده است؛ ۲) صبر بر چیزهای مکروه یا محبوب، اساس صبر به اختلاف پیرامون آن مختلف است، لذا هرگاه دربارهٔ نزول مصیبتی باشد، آن را صبر نامند. این گونه صبر مقابل جزع و حزن است و هرگاه دربارهٔ مال و ثروت دنیا باشد، «ضبط نفس» نام دارد. این صبر نیز مقابل دقّع (خشنودی به اندک درجهٔ پایین) و بَطْر (سرکشی به خاطر ثروت و نعمت) است و هرگاه در مورد نبرد باشد، آن را شجاعت نامیده‌اند.

حلم، مترادف صبر دانسته شده، به مفهوم خودداری از هیجان خشم و غضب، حلیم خوددار از خشم و غضب و از هیجان آن است. حلم از آثار عقل است و از آن انفکاک ندارد، لذا از هر عقلی که در مرحلهٔ فعلیت ظاهر شده باشد، به حلم تعبیر می‌شود. به نظر صوفیه صبر در عرف، حس مرید از مرادی است که از آن نهی شده است. به نظر صوفیه مقام صبر پس از مقام فقر از آن حیث هست که انواع صبر، صبر به فقر می‌باشد و نیز از قواعد ایمان محسوب شده است. «الایمان نصفان: نصف الصبر و نصف الشکوه». در قرآن کریم از صبر و صابران وصف شده است: ۱) وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ آيَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لِمَا صَبَرُوا = و چون شکیبایی کردند از آنان پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند (سجده، ۲۴)؛ ۲) وَ لَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ = و پاداش کسانی را که شکیبایی کردند بهتر از آنچه عمل کردند می‌دهیم (نحل، ۹۶)؛ ۳) أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا = به اینان برای آن شکیبایی که کردند دوباره مزد دهند (قصص، ۵۴)؛ ۴) در قرآن هر فضیلت و اجری به اندازه و حساب است مگر صبر: إِنَّمَا يُؤَفَّقِي الضَّالِّينَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ = و پاداش شکیبایان به تمامی و بی حساب داده می‌شود (زمر، ۱۰)؛ ۵) و صابران وعده داده شده‌اند که خدا با آنها است، وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الضَّالِّينَ = و شکیبایی کنید که خدا با شکیبایان است (انفال، ۴۷)، و بر صابران درود و رحمت و هدایت جمع شده است: أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ

العروض مع شرحها: حاشیه بر شرح الاشمونی علی الألفیه در علم نحو (مطبوع)؛ حاشیه بر شرح الرسالة العضديه بر معانی و بیان سعد تفتازانی؛ حاشیه بر الملوی علی مسلم دربارهٔ منطق (مطبوع)؛ تقریر علی مقدمه جمع الجوامع؛ رساله استعارات، در تفسیر؛ رساله الکبری، در تفسیر بسملة (مطبوع)؛ شرح علی منظومه السماء؛ بالكافی الشافی فی علم العروض و التافیة (مطبوع)؛ و کتابی در هیات. سرانجام محمد بن علی صبان در ۶۰۶ ق در قاهره در گذشت.

منابع: الاعلام، زرکلی، ۲۹۷/۶؛ ایضاح المکتون، ۷۸/۱؛ ریحانة الادب، ۴۱۳/۳؛ فهرس التراث، حسین جلالی، ۲۰۳/۲؛ لغت نامه دهخدا، ۱۴۸۴/۱۰؛ الکتب و الاثبات، ۳۷۱/۲؛ معارف و معاریف، ۶۴۳/۶؛ معجم المؤلفین، ۱۷/۱۱؛ هدیة العارفين، ۳۴۹/۲. اعظم خادمی

**صبح صادق**، کتابی در تاریخ عمومی جهان از آغاز آفرینش تا روزگار تألیف کتاب نوشتهٔ میرزا صادق اصفهانی (۱۰۱۸-۱۰۶۲ ق). این کتاب که در چهارمجله تدوین گردیده و به شاهزاده شجاع پسر شاهجهان، امپراتور گورکانی هند، اتحاف گردیده، از مهمترین و جامعترین تاریخهای عمومی است که در دورهٔ تیموریان هند نوشته شده است. مجلد سوم کتاب زندگینامهٔ مردان بزرگ سیاست و علم و ادب تا ۱۰۴۸ ق است و پاره‌ای آگاهی‌هایی که مؤلف به دست می‌دهد، از دیده‌های خود او است. نثر کتاب ساده و یک دست و از نمونه‌های نثر خوب دورهٔ گورکانیان هند است.

منابع: تاریخ ادبیات در ایران، ۱۷۵۵/۵؛ تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان، ۳۲۳؛ الذریعة، ۶/۱۵؛ فهرست کتابخانه بوداییان، شماره ۱۰۸ حسن انوشه

**صبحی صالح**، نویسنده و ادیب معاصر عرب، استاد زبان و ادبیات در دانشکده ادبیات دانشگاه بیروت لبنان، کار مشهور او تدوین و تنظیم نهج البلاغه است که در آن از رسم الخط جدید و حروف سربی استفاده کرده و معجم لغات نهج البلاغه را به آن افزوده است و برای استفادهٔ پژوهشگران بسیار مفید واقع گردیده است.

منابع: مقدمه نهج البلاغه صبحی صالح. محمد حسن سعیدی

**صبر**، به مفهوم بردباری، خوشبینی و در مقابل بی‌قراری، جزع، ترس و حرص و طمع قرار دارد. صبر از امل و رجاء، برتر است. نزد صوفیه، صبر لازمهٔ فقر و موجب استواری توبه و توکل

al-Naḥḥās, Aḥmad b. Muḥammad, *I'rab al-Qur'ān*, annot. °Abd al-Mun'im Khalīl Ibrāhīm and Muḥammad °Alī Bayḍūn, 1st edn (Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya, 1421H).

الهروي، محمد بن أحمد، معاني القراءات للأزهري، ط 1 (الرياض: مركز البحوث في كلية الآداب - جامعة الملك سعود، 1991م).

al-Harrawī, Muḥammad b. Aḥmad, *Ma'ānī al-qirā'āt li'l-Azharī*, 1st edn (Riyadh: Markaz al-Buḥūth fī Kulliyat al-Ādab—Jāmi'at al-Malik Sa'ūd, 1991).

Sabir  
180027

## تمثيلات "الصبر" في النصّ القرآني:

### بحث في خطاب الأمر

التار ولد عبدالله ونهلة زهدي إبراهيم الشلبي

جامعة العين للعلوم والتكنولوجيا

المقدمة:

تجتهد هذه الدراسة لترصد تمثيلات (الصبر) في النصّ القرآني وتحليل دلالاته في سياق خطاب الأمر، الذي يعتبر من أهم أساليب (الإنشاء الطلبي)؛ لكثرة وروده في القرآن الكريم والحديث وكلام العرب.

شغلت صيغة الأمر الدارسين في العديد من المجالات ولا سيما البلاغيون، حتى عدت أهم مباحث علم المعاني، إضافة إلى منزلتها عند الفقهاء والأصوليين؛ لما بين العلمين من اشتراك في غالبية الأبواب.

وهذا ما أكدّه الشبكي بقوله: "واعلم أنّ علمي الفقه والمعاني في غاية التداخل، فإنّ الخبر والإنشاء اللذين يتكلم فيهما المعاني، هما موضوع غالب الأصول، وإنّ كلّ ما يتكلم عليه الأصولي من كون الأمر للوجوب، والتهني للتحريم... كلّها ترجع إلى موضوع علم المعاني، وليس في أصول الفقه ما ينفرد به كلام الشارح عن غيره إلا الحكم الشرعي والقياس وأشباه يسيرة"<sup>1</sup>، وقد أسهم ذلك العلم إسهامًا كبيرًا في العلوم اللسانية، التي تحتلّ اليوم مكانًا بارزًا بين العلوم المعاصرة، ولا سيما الإنسانية منها، وذلك لاعتكافها على دراسة اللسان، الذي يتخذ اللغة مادة له وموضوعًا.



01 Haziran 2019

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

21 Nisan 2016

Doğan, Mebrure - Çiğdem Gülmez

Sabir 180027

Sabır Ölçeğinin Türkçeye Uyarlanması: Geçerlik ve Güvenirlik Çalışması,  
Atatürk Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi [Atatürk Üniversitesi İslâmi  
İlimler Fakültesi Dergisi] [İİFD] [EAÜİFD], 2014, sayı: 42, s. 263-279

## الصبر على الابتلاءات الخاصة والعامة (رؤية إسلامية)



د. إياد فوزي حمدان

### مقدمة :

تتناول هذه الدراسة موضوعاً مهماً وهو الصبر على الابتلاءات خاصها وعامتها من منظور شرعي .

وقد عالجت الدراسة مفهوم الصبر في اللغة والشرع ، كما بينت ضرورة وأهمية الصبر ، وركزت على آثاره وثماره في الدنيا والآخرة . مدللة على ذلك بأدلة وشواهد من القرآن الكريم والسنة المطهرة وأقوال السلف الصالح .

كما بينت الدراسة ماهية الصبر الجميل ، وكذلك مفهوم الابتلاء والحكمة منه .

وتعرضت الدراسة لأنواع الصبر ومجالاته استناداً على تقسيمه بالنسبة إلى متعلقه إلى: صبر على الطاعة ، وصبر على المعصية ، وصبر

\* الأستاذ المشارك بجامعة السودان للعلوم والتكنولوجيا ، معهد العلوم والبحوث الإسلامية .

109 EKİM 1999

۱۴۶۸ SABER  
خانمهای، علی، حجت الاسلام، "گفتاری در باب صبر"، پیام دریا، سال ۵، ش ۴۳  
(فروردین ۱۳۶۴): ص ۳۱-۳۵، ش ۴۴ (اردیبهشت ۱۳۶۴): ص ۲۶-۳۸، ش ۴۹  
۴۴ ش (خرداد ۱۳۶۴): ص ۳۱-۳۵، ش ۵۲

SABIR  
Hafız Ali (Göriceli)

Sabr u Sebât, Mâcibi Zaferdin.

S-Reşâd, IX, sy. 217, s. 167-168.

xx. Mills ruh'un tesâdi' hüsnünde Kaynak

25 HAZİRAN 1999

4334. *Mağma' al-anwâr* : aš-šukr wa 'ş-şabr / 'Ali Ridâ Ba-râziš. - Tih-rân : Munazzama 'l-A'lâm al-Islâmî  
In arab. Schr., arab. 29 A 8664  
1/2. Tab'a 1. - 1988 = 1408 š.š.  
In arab. Schr., arab. 29 A 8664-1/2

13 MAYIS 2008

تاجی، اسماعیل

۱۸۱- «فرهنگ بردباری و امیر المؤمنین (ع)»، فرهنگ پیام ایران چهار مجال و بختیاری، بیابان، ص ۷۰-۷۵، فارسی، کتابنامه: ۷۵.  
کد پارسا: ۸۳۳۸۲۶  
صبر - آثار: امام علی (ع) - دیدگاهها - اخلاقی و تربیتی (شخصیت شناسی (عمومی))  
آثار و فواید صبر و درایت را در بخش های مختلف اجتماعی، روحی - روانی و مدیریت منابع انسانی، از نگاه امام علی (ع) بررسی می کند. نویسنده به روش توصیفی و با استناد به نهج البلاغه، موضوعات زیر را مورد بحث قرار داده است: استقامت و پایداری، راه دفاع از ایمان؛ بردباری پوشاننده عیبها، زاینده سختیها، علل امنیت و آرامش، آسودگی از عذاب آخرت؛ و صبر و شکیبایی از ابزار سیاست.

22 TEM 2008

شهید ثانی، زین الدین بن علی (۹۱۱-۹۶۶ق)

۳۵۲- «صبر در مصائب»، ترجمه اسماعیل مجد الادبء خراسانی (۱۳۲۱ق)، گنجینه، بیابان ۳۸، ص ۶۸-۷۱، فارسی.  
کد پارسا: A۶۸۷۶۱  
عنوان متن ترجمه شده:  
مسکن القواد عند فقد الاحبة و الاولاد  
صبر بر مصائب

MADE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

22 TEM 2008

خوشحال دستجردی، طاهره

۳۱۳- «بازتاب مفهوم قرآنی صبر

در آثار عطار نیشابوری»، دانشکده ادبیات اصفهان، بیابان ۳۲ و ۳۳، ص ۷۳-۱۰۲، فارسی، کتابنامه: ۱۰۴-۱۰۳

کد پارسا: A۷۸۱۱۳

صبر: عطار نیشابوری - اندیشه عرفانی عطار نیشابوری (عرفان و تصوف)

بررسی معنای صبر در آثار عرفانی عطار با استفاده از آیات قرآن کریم می باشد. در این مقاله سعی نگارنده بر آن است که با استناد به آثار برجسته عطار از جمله دیوان اشعار، منطق الطیر، الهی نامه، اسرارنامه، مصیبت نامه و مختارنامه اهمیت و نقش صبر را در سیر الی الله از دید این عارف بزرگ بیان کند. از دیدگاه نویسنده، در بیئت عطار نیشابوری صبر در سیر و سلوک نقش بنیادی و اساسی را بر عهده دارد و یا شکوفا کردن نیروها و قدرت های الهی نهفته در روح، موجب می شود که انسان از تنگنای هستی محدود خود رها شود و به هستی نامحدود و مطلق پیوند بخورد و آیات و روایات متعددی بر این امر دلالت دارد.

MADE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

09 ARALIK 1999

۱۳۷۸  
صفات و ویژگیهای بارز مجاهدین فی سبیل الله در قالب واژه ها "ا. امید انقلاب، سال ۳، ش ۶۴ (۲ مهر ۱۳۶۲): ص ۱۸-۵۱، ش ۵۱، ص ۲۳-۵۱.  
صبر، توکل، اخلاص، ذکر در قاموس فرهنگ اسلامی.

08 OCAK 1999

Sabr ve'r-rizâ, SI, 352

06 OCAK 1999

Sabr ve's-sevâb, SI, 247

Sabr

---

1 HÜSEYİN SARIBAŞ, Kur'an ve sünnette sabır iman ilişkisi, Selçuk Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2006

---

2

---

3 KUDRET BULUT, Dini kavram ve sembollerin toplumsal bilinci oluşturmadaki rolü: Sabır kavramı ve Hz. Eyyub Nebi örneđi, Harran Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2005

SABIR

15 HAZIRAN 1993

Ebu Teimmun, Hamase, s. 12, 16,  
20, 38, 39 + 63, 142, 145

Bombay 1882 [ilâh. Fah. ktp.]

09 EKIM 1993

SABIR 1955 خانمہای علی، حجت الاسلام، گفتاری در باب صبر. پیام دریا، سال  
۴، ش ۴۰ (دی ۱۳۶۲): ص ۲۶-۲۲. سال ۵، ش ۴۷ (مرداد ۱۳۶۴): ص ۲۵-۲۸، ۲۷، ۲۶

SABIR

06 MAYIS 1994

"Sabır iki çeşittir: Kisinin sevveligine  
Sabretmesi, sevdeligine sabretmesi"

bk. İbnü'l-Mukaffa'  
el-Edebi'l-kebir, s. 85 (DİA ktp.)

09 EKIM 1993

SABIR 1870 "صبر در مصائب و پایداری در حوادث". رسالت (۲ دی ۱۳۶۵): ص ۱۰

Sabr

Razi, Tefsir, XIX, 42-

SABIR

28 NISAN 1993

۲۱۰۳

ف ا ص

فدعق، أسماء عمر حسن  
الصبر في ضوء الكتاب والسنة، إشراف محمد أبو شهبه، مكة

المكرمة، ۱۳۹۸ / ۱۳۹۹ هـ، ۱۶۲ ص + أ-ك.

رسالة ماجستير في الكتاب والسنة، كلية الشريعة، جامعة

ام القرى.

(۱۱۴۹)

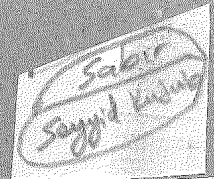
(۱۰)

sabr 4

Asr süresi

09 EKIM 1993

SABIR ۱۸۳۳ "کل واژه صبر". شاهد، ش ۵۵ (۱ اسفند ۱۳۶۲): ص ۱۸-۲۱.  
درباره معنای صبر، مشتقات این کلمه، اهمیت و نقش و وجه صبر.



4879. Quṭb, Saiyid: Aṣ-Ṣabr fī zilāl al-Qur'ān li-š-šaiḥ Saiyid  
Quṭb / [Saiyid Quṭb]. [Zusammengefaßt von:] 'Ukāša 'Abd-al-  
Mannān al-Ṭaiyibī. - Al-Qāhira : Maktabat at-Turāṭ al-Islāmī,  
1993. - 271 S.  
Einheitssacht.: Fī zilāl al-Qur'ān. - In arab. Schrift, arab.  
ISBN 977-260-112-5 33 A 18008

21 KASIM 1993



SABIR

Sabru fawleti

- Nerevî, Ferhul-Muslim, c. 7-s. 145

16 MAYIS 1995

180027 SABIR

الصبر في ضوء الكتاب والسنة / أساء عمر حسن فرعق  
- ماجستير - جامعه ام القرى - الشريعة - الدراسات العليا  
شرعيه ، ١٣٩٩ هـ .

٢١٠٠

الصبر في القرآن الكريم : دراسة موضوعية / محمد  
بن حسان مراجع - ماجستير - جامعه الامام محمد بن سعود  
الاسلاميه - اصول الدين - القرآن وعلومه ، ١٤٠٨ هـ .

Sabr

Nurul-Halika, 276-278.

D. Bas: 4370

"SABIR"

IDA

Sabr

TSV

el-Ayni, "Umdetu'l-Karî---", c. XV, s. 236

6 MAYIS 1995

SABIR

الصبر وأثره في الدعوة إلى الله / ابراهيم بن مرشد بن  
محمد المرشد - ماجستير - جامعه الامام محمد بن سعود  
الاسلاميه - المعهد العالي للدعوة الاسلاميه بالمدينه المنوره -  
الدعوة والاحتساب ، ١٤٠٦ هـ .

"SABIR"

IDA

el-Ayni, "Umdetu'l-Karî---", c. XVIII, s. 199, c. XIX, s. 25

23415 RINGGREN, H. The concept of Sabr in pre-Islamic poetry and in the Qur'an. JC 26i (1952), pp. 75-90

Sabir. (Islam enceri için)  
The Islamic Quarterly

13 AGUSTOS 1991

Sabir

Nurul-Halika, 218-219.

D. Bas: 4370

25 HAZIRAN 1996

SABIR

Ibn Mukaffa, el-Felebi'el-kebir, s. 84 vadd.

3228. Nāfi', Ibrāhīm: Kalām fi 'l-ḥubb wa'ṣ-ṣabr / Ibrāhīm Nāfi'. - Tab'a I. - Al-Qāhira: Markaz al-Ahrām, Mu'assasat al-Ahrām, 1994 = 1414 h. - 315 S. In arab. Schrift, arab. 34 A 19148

Sabir  
Muhabbat

Sabr

Kutub - Kulub, I, 193-203

297-72  
YAF.N

Sabir,

Musi, Rukhul-Meani, XXIII, 248  
DIA ktp 297-211 ALU-R

"SABIR"

TSU, IOA

Sabr

Roz, Tafsir, IV, 151-

M.GH.Ahmad, "The Teachings...", 5.

Sabir

Nesrül-mekash, s. 153-158

297-72  
YAF.N

SABIR

- Sabran faseti

Meuevi, Serhul-Mishri, c-3-s. 101

SABR

~~FAS~~

Mustafa Ebu Zeyd, Ferri'ul-Hulum, 2, 81

الصبر  
Sabir

03 NISAN 1995

الهادى الى موضوعات فراج البلاغة ٣١٣ - ٣١٥

323

Sabr

el-Luma', s. 76-77

891.5  
KAS-L

Sabir

IF-21178

يوسف الغرضاني

الصبر في القرآن

Kahive 1397/1977

SUBAT 104

Sabr

Razi, Tafsir, IX, 155-

Sabr

Razi, Tafsir, XVIII, 103-

Sabr

Alusi, Bulugh al-Me'ani, 175-176

DIA Ktp. 197-211

ALH - R

IDA

(136)

الياسين ، جاسم بن محمد بن مهلهل .  
الصبر عند المصيبة / تأليف  
جاسم بن محمد بن مهلهل الياسين .  
ط 1 - المنصورة : دار الكلمة للنشر  
والتوزيع ، 1998 .

ص : 16 سم .

يشتمل على إرجاعات بيبليوجرافية .

تدمك 0-50-5826-977

٢٤٢

ب ٨١٦٤٨ - ٨١٦٤٩

30 AGUSTOS 2004

Sabr

30 AGUSTOS 2004

Philade

Sabr

فضيلة الصبر

Ibrahim el-Cibāli

Murū'at al-Ṣalāh, 1, 658

Sabr

Razi, Tafsir, XVII, 50-

SABIR

Ahlik

Ayni, Ulum c. 7 - s. 6

الفضائل الإسلامية

(٤٦)

ابن حسن ، محمد بن أبي المكارم .  
أهل الصبر والبلاء في الجنة  
منعمون / تأليف محمد بن أبي المكارم  
بن حسن . - [د . م . أ] : م . أ . بن  
الحسن ، [1998]

ص : 20 سم .

تدمك 4-6498-977-19

٢١٢,٢

ب ٨٢٩٠٨ - ٨٢٩٠٩

30 AGUSTUS 2004

30 AGUSTUS 2004

Sabr

Sabr

IF 1076 d

عبدالقادر عوفية  
مباحث في سير العلماء

3 SUBAT 1993

SABIR

297.84  
AH.I

Ahmed Riza

Tolerance Musulmane / by Ahmed Riza.-  
Paris: Imprimerie Clamaron-Graff, [1907 ?].  
38 p.; 22 cm.

5213

1. Islamic Ethics I. Title

Sabr  
Razi, Tefsir, III, 216 -

SABIR  
Tahiri'l-Mevlevi

Sebat, Sabir.  
S-Müstekim, VII, sy. 166, s. 149-150.

Sabr (oruç manasına gelmesi)  
Razi, Tefsir, III, 49.

VALIYUDDIN, Mir. The way to control anger -  
the Qur'anic approach. IC 46(1972), pp.  
63-73

Sabir  
Kur'an  
Öfkeyi yenme usûli -  
Kur'anî açıklama

107 MAYIS 1993

Sabir, IDA  
Alusi, Ruhul-Meani, XII, 201-202  
DIA Ktp 297-211 ALU-R

~~SABIR~~ SABIR

M. Şemseddin.

Sabr u Sebat, Daima Mücib-i Necattır.

S-Reşad, IX, sy. 219, s. 199-200.

Sabr

ibn Teymiyye, Mecmûa Fetâvâ,  
C-VII, s. 264

297.55/TEY.M

Sabr SABIR

Resit Rıza, Tefsirul-Menâr, C.III, s. 251

Sabir, IDA

Alusi, Ruhul-Meani, XV-261  
DIA Ktp 297-211 ALU-R

Sabir IDA

Alusi, Ruhul-Meani, II, 23  
DIA Ktp 297-211  
ALU-R

Sabir,  
Beyhaki, K. el-Esmā ve's-sifat, 645  
DIA Ktp. 297. 412 Bey. E.

68 AFSARUDDIN, Asma. "Patience is beautiful:" Qur'anic  
ethics in Said Nursi's *Risale-i Nur*. *Globalization,  
ethics and Islam. The case of Bediuzzaman Said Nursi*.  
Ed. Ian Markham and Ibrahim Ozdemir. Aldershot:  
Ashgate, 2005, pp.79-88.

Said Nursi  
Sabir

07 H67 2007

Sabir,  
Ahisi, Ruhul-Meânî, XXVI, 34  
DIA Ktp. 297 211 ALU-R

Sabir

İbn Teymiyye, *Mecmûa Fetâvâsı*,  
C-III, s. 211-214

Sabir

(ahlakî fazilet olarak)

297-55  
TEY.M

Ahmed Abdurrahman  
el-Fadlî  
173-178

1993 OCAK

٢ - ٤٧ - ٨٥

SABIR

اسم الرسالة : الصبر في ضوء الكتاب والسنة. (ماجستير)  
إعداد الطالبة : أسماء عمر حسن فدق  
إشراف : الدكتور محمد محمد أبو شهبه.  
تاريخ الرسالة : ١٣٩٩ هـ - ١٩٧٩ م  
مباحث الرسالة : تشمل الرسالة مقدمة وأربعة أبواب وخاتمة.

أما المقدمة فقد ذكرت الطالبة فيها أن سبب اختيارها للموضوع هو إدراكها لأهمية الصبر في حياة الفرد والجماعة.  
- وأما الباب الأول: «تمهيد في حسن الخلق» ففيه أربعة فصول، هي:

- تعريف الخلق لغةً وشرعاً.
  - أمهات الأخلاق الفقه والصبر،
  - مظاهر حسن الخلق.
  - الأحاديث الدالة على فضيلة حسن الخلق
- وأما الباب الثاني: «الصبر وحقيقته» ففيه أربعة فصول أيضاً، هي:
- معنى الصبر لغةً.
  - حقيقة الصبر ومعناه.
  - عناية القرآن الكريم والسنة بفضيلة الصبر.

- وأما الباب الثالث «أقسام الصبر» فتحتة ثلاثة فصول، هي:  
أقسام الصبر بحسب قوته وضعفه،  
أقسامه باعتبار تعلق الأحكام الخمسة به.  
أقسامه باعتبار محله «بدني ونفسي».  
- وأما الباب الرابع فيشمل أربعة فصول، هي:  
أنواع الصبر الواجب ثلاثة: صبر على الطاعة، وصبر عن المعصية، وصبر على البلاء،  
الأسباب التي تعين على الصبر،  
الأمور المضادة للصبر،  
تداخل حقيقة الصبر بحقيقة الشكر.  
وأما الخاتمة فقد أجمت فيها الطالبة ما توصلت إليه من نتائج،  
منها:

- أ - إن فضيلة الصبر من أعظم الفضائل التي تعين المسلمين أن يعيشوا راضين في هذه الحياة.
- ب - الصبر دائماً قرين التقوى، وهما أرفع أخلاق المؤمنين.
- ج - إن الصبر على البلاء يوازي الشكر على النعم ويساويه.

وذوق طعمه أمر يعرفه من حصل له هذا الوجه وهذا الذوق . فالذي يحصل لأهل الإيمان عند تجريد التوحيد يجذب قلوبهم إلى الله وإقبالهم عليه دون ما سواه ، بحيث يكونون حنفاء لله مخلصين له الدين — إلى أن قال — وهذا هو حقيقة الإسلام الذي بعثت به الرسل وأنزل به الكتب وهو قطب القرآن الذي تدور عليه رحاه والله أعلم .

\* \* \*

## فصل

( في الصبر والصابرين وفوائد المصائب والشدائد )

قال الله تعالى ﴿ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴾ \* أَوْلَيْكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ أَوْلَيْكَ هُمْ الْمُهْتَدُونَ ﴿ [ البقرة : ١٥٥-١٥٧ ] .

وقال تعالى ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾ [ آل عمران : ٢٠٠ ] .

إلى غير ذلك من الآيات .

وصح عنه عليه السلام الأمر بالصبر في أحاديث . وروي أحمد ومسلم وغيرهما من حديث أم سلمة : « ما من عبد تصيبه مصيبة فيقول : ( إنا لله وإنا إليه راجعون ) اللهم أجرني في مصيبي وأخلف لي خيراً منها ، إلا آجره الله في مصيبته وأخلف له خيراً منها » وفي الصحيحين من حديث أبي سعيد « ومن يتصبر يصبره الله وما أعطي أحد عطاء خيراً وأوسع من الصبر » وخير مرفوع خير مبتدأ محذوف تقديره هو خير . وروي « خيراً » قال عليه السلام : « واعلم أن النصر مع الصبر وأن العسر يسراً » .

فإذا علم العبد (١) أنه وما يملكه لله سبحانه حقيقة لأنه أوجده من عدم ويعدمه أيضاً ويحفظه في حال وجوده ولا يتصرف فيه العبد إلا بما يتاح له وأن مرجعه إلى الله ولا يبد فرداً كما قال تعالى :

﴿ وَيَأْتِينَا فَرْدًا ﴾ [ مريم : ٨٠ ] .

(١) يجد القارئ جواب هذا الشرط في ص ٢٠١ .

# الأدب الشرعي

## والمِنَحِ المرعيَّة

Sebw (187-199)

تأليف  
شمس الدين أبي عبد الله محمد بن مفلح المقدسي الحنبلي  
تغمده الله برحمته وأسكنه فسيح جناته

08 MAYIS 1991

### الجزء الثاني

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi Kütüphanesi	
Sayıt No. :	10148-2
asnif No. :	297.8 MİF.A

الناشر

مؤسسة قرطبة

ت ٨٦٢١٥١ - القاهرة

### فصل

( في الصبر والصابرين وفوائد المصائب والشدائد )

قال الله تعالى ﴿ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴾ \* أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿ [ البقرة : ١٥٥-١٥٧ ] .

وقال تعالى ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾ [ آل عمران : ٢٠٠ ] .

إلى غير ذلك من الآيات .

وصح عنه عليه السلام الأمر بالصبر في أحاديث . وروي أحمد ومسلم وغيرهما من حديث أم سلمة : « ما من عبد تصيبه مصيبة فيقول : (إنا لله وإنا إليه راجعون) اللهم أجرني في مصيبي وأخلف لي خيراً منها ، إلا أجره الله في مصيبته وأخلف له خيراً منها » وفي الصحيحين من حديث أبي سعيد « ومن يتصبر يصبره الله وما أعطي أحد عطاء خيراً وأوسع من الصبر » وخير مرفوع خير مبتدأ محذوف تقديره هو خير . وروي « خيراً » قال عليه السلام : « واعلم أن النصر مع الصبر وأن العسر يسرا » .

فإذا علم العبد (١) أنه وما يملكه لله سبحانه حقيقة لأنه أوجده من عدم ويعلمه أيضاً ويحفظه في حال وجوده ولا يتصرف فيه العبد إلا بما يتاح له وأن مرجعه إلى الله ولا بد فرداً كما قال تعالى :

﴿ وَيَأْتِينَا فَرْدًا ﴾ [ مريم : ٨٠ ] .

(١) يجد القارئ جواب هذا الشرط في ص ٢٠١ .

وذوق طعمه أمر يعرفه من حصل له هذا الوجه وهذا الذوق . فالذي يحصل لأهل الإيمان عند تجريد التوحيد يجذب قلوبهم إلى الله وإقبالهم عليه دون ما سواه ، بحيث يكونون حنفاء لله مخلصين له الدين - إلى أن قال - وهذا هو حقيقة الإسلام الذي بعثت به الرسل وأنزل به الكتب وهو قطب القرآن الذي تدور عليه رحاه والله أعلم .

\* \* \*



# الأدب الشرعي

## والمِنَحِ المَرعِيَّة

08 MAYIS 1991

تأليف  
شمس الدين أبي عبد الله محمد بن مفلح المقدسي الحنبلي  
تغمده الله برحمته وأسكنه فسيح جناته

Scibers

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi İstanbul	
Kayıt No. :	10148-1
Tasnif No. :	277.8 mlf.A

الجزء الأول 3-4

الناشر

مؤسسة قرطبة

ت ٨٦٢١٥١ - القاهرة

٣

الخوف والصبر والرضا

### فصل

#### ( في الخوف والصبر والرضا )

يسن لكل مسلم مكلف خوف السابقة والخاتمة والمكربة والخديعة والفضيحة ، والصبر على الطاعة والنعم والبلاء والنقم في بدنه وعرضه وأهله وماله ، وعن كل مأثم ، واستدراك ما فات من المفوات ، وقصد القُرب والطاعة بنيته وفعاله ، كقوله وسائر حركاته وسكناته ، والزهد في الدنيا والرغبة في الآخرة ، والنظر في حاله ومآله ، وحشره ونشره وسؤاله ، ويسن رجاء قبول الطاعة والتوبة من المعصية والقناعة ، والاكتفاء بالكفاية المعتادة بلا إسراف ولا تقتير ، ذكر ذلك في الرعاية الكبرى وغيرها . وقال في نهاية المنتدئين : هل يجب الرضا بالمرض والسقم والفقر والعاهة وعدم العقل ؟ قال القاضي : لا يلزم ، وقيل بلى ، قال ابن عقيل : الرضا بقضاء الله تعالى واجب فيما كان من فعله تعالى كالأمرات ونحوها ، قال فأما ما نهى عنه من أفعال العباد كالكفر والضلال فلا يجوز إجماعاً إذ الرضا بالكفر والمعاصي كفر وعصيان .

وذكر الشيخ تقي الدين أن الرضا بالقضاء ليس بواجب في أصح قولي العلماء إنما الواجب الصبر وذكر في كتاب الإيمان :

﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا ﴾

[ الحجرات : ١٥ ]

فلم يجعل لهم ريباً عند المحن التي تقلقل الإيمان في القلوب ، والريب يكون في علم القلب وعمله ، بخلاف الشك فإنه لا يكون إلا في العلم فلهذا لا يوصف باليقين إلا من اطمان قلبه علماً وعملاً ، وإلا فإذا كان عالماً بالحق ولكن المصيبة أو الخوف أورثه جزعاً عظيماً لم يكن صاحب يقين .

# THE QURANIC SUFISM

- Sabir

By

Dr. MIR VALI UDDIN,  
M. A., Ph. D. (London), Bar-at-Law  
PROFESSOR OF PHILOSOPHY,  
OSMANIA UNIVERSITY.

Title	THE QURANIC SUFISM
Author	Dr. Mir Valiuddin
Editor	
Translator	
Price	83
Date	1952

THE ACADEMY OF ISLAMIC STUDIES,  
HYDERABAD (DN.)

\* BOOKS ALL SORTS :  
Exported & Produced By :-  
MALIK SIRAJUDDIN & SONS  
Kashmiri Bazar, Lahore (8) Pakistan  
Phone : (042) 52169-853431-311498

Reproduced by

**SH. MUBARAK ALI**  
ORIENTAL PUBLISHERS

Inside Lohari Gate Lahore (Pakistan)

( 29 )

thus:

“Why hanker after the means of Sustenance?  
Be patient, it will by itself come to thee  
one day!”

Rūmī again expresses the idea thus:

“Live in trust, do not stir your limbs,  
Thy sustenance careth for thee more  
than what thou careth for it”

In any case according to the teachings of our Prophet we should endeavour to earn our livelihood. But we must remember that our quest is not a constant or definite cause for securing our means of subsistence. Shah ‘Abdul Haq of Delhi, commentator of traditions and the author of *Futūḥ-al-gaib* has briefly explained this point thus: “True, you get a thing only if you strive for it, but you don’t get it by striving alone”. The same idea is conveyed by the following lines of a poet:

“No one achieves his object of desire  
by simply striving for it,  
Whoever achieves his object does so  
by striving alone”.

The meaning of these lines is that we should not consider that striving is the definite cause of achieving our desire, as the whole affair is dependent on God’s grace and mercy. Any way we should certainly strive, it is one of the Almighty’s ways that He helps those who help themselves.

**Patience (Ṣabr):** A third method of seeking assistance from God is to bear calamities patiently. The world is a place where sorrows and troubles abound, it is a prison, the warehouse of Beelzebub where nothing save evil and wickedness are found! As the poet says:

“Ere upon this world and its days!  
It is created to breed sorrow!  
Its sorrows never abate for a moment,  
For the king as well for the man in  
the street!

“Man is born unto trouble as the sparks fly upward” says the Bible. A pauper and a king, a wealthy person or a

s. 29-36

( 31 )

If you are firmly convinced that God Almighty is Benevolent and All-merciful and are sure that He is ever kind and gracious to you, then you will take every pain and distress inflicted on you for a latent blessing. You should grasp this point well by means of illustrations! A loving father applies leeches to one of the limbs of his son’s body but he does not intend to inflict pain on him, He is letting out the impure blood from his system which is acting as a toxin. A mother cannot bear to see her little son untidy. She rubs his body and gives him a wash with soap and warm water. The child cries and howls, feels pain, but the mother does not intend to give him pain. Your well-meaning physician prescribes a medicine for you, and you dislike it but if he were to give you a medicine of your own liking you would never recover from your illness. If you are not given a thing on which you dote and you are fully aware that it is not being given to you out of consideration for your own supreme good, you will say that the act of not giving it to you is itself a great boon. Shaykh Abul Hasan Shādhī has aptly remarked; “Know well, if God Almighty does not bestow anything on you, you should consider that this act of His is a great gift. But it is the truthful person only who takes the denial of a gift that way”. The same secret has been hinted at in the verse: “It may be that ye dislike a thing, and God brings about through it a great deal of good”. That is the reason why the Prophet of Islam offered thanks on the infliction of disasters as he offered them on the bestowal of boons.

We should have implicit faith and the greatest devotion! Whenever a true believer is confronted with some distress he feels an aura of the presence of the Almighty in which he finds such pleasure that he bears the severity of the agony easily and he often does not feel the pain too, due to the predominating influence of His presence. If you are unable to grasp the meaning of the above lines consider the case of the lovely ladies who taunted Zulaikhā. Being enamoured of Joseph’s bewitching beauty they incised the fingers of their hand by knives and did not feel what pain meant! “When they saw him they did extol him and cut their hands”. This is also illustrated by the following insight of the Gnostics:

الحلال و الحرام

(AL-HALĀL WAL-HARĀM)

# DOS AND DO NOTS IN ISLAM

Saleer - 196-198  
Sabir

By

'Abdul Rehmād Shād

\* BOOKS ALL SORTS :  
Exported & Produced By :-  
MALIK SIRAJUDDIN & SONS  
Kashmiri Bazar, Lahore (8) Pakistan  
Phone : (042) 52109-85111-31198

KAZI PUBLICATIONS

121 - Zulqarnain Chambers, Ganpat Road  
LAHORE (Pakistan)

196

make him miserable under the constant pressure of wants. This virtue extinguishes the flames of persistent desires and tames the unruly passions.

On the other hand avarice or greediness is an evil. It deprives one's heart of the pleasures. A really wise man is free from avarice and does not subject his will to the unlimited wants.

It is reported on the authority of Abū Huraira (Allāh be pleased with him) that the Messenger of Allāh (peace and blessings of Allāh be upon him) said : Wealth is not vast riches but wealth is in self-contentment. (Agreed upon)

Sa'd (Allāh be pleased with him) reported that the Messenger of Allāh (peace and blessings of Allāh be upon him) said : Of the fortunes of the son of Adam there is his contentment with what Allāh decreed for him ; and of the misfortunes of the son of Adam, there is his giving up of seeking good from Allāh ; and of the misfortunes of the son of Adam, there is his discontentment with what Allāh decreed for him. (Ahmad)

## Patience and Perseverance

Patience means to deny something to oneself. It is one of the best attributes of man. Some people display patience at physical tortures whereas the others remain patient over passions and immoral tendencies. The latter bears out more rewards as compared with the former. Patience is the quality which enables one to bear many hardships with manliness and cross many hurdles. It is the

197

determining factor in man's life. The Holy Qur'an affirms :

وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

But if you persevere patiently and guard against evil ; then that will be a determining factor in all affairs. (3 : 186)

In some other Verses the Holy Qur'an says :

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ

And seek assistance through patience and prayer ; and it is hard save for the humble-minded. (2 : 45)

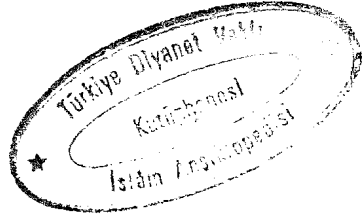
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ

تَفْلِحُونَ

O you who believe : be patient and be in patience and remain steadfast and fear Allāh that you may be successful. (3 : 199)

The Holy Prophet (peace and blessings of Allāh be upon him) held a very high opinion regarding this virtue. It is reported on the authority of Ibn Mas'ūd (Allāh be pleased with him) that the Messenger of Allāh (peace and blessings of Allāh be upon him) said : Patience is half of faith. (Mishkāt)

Ibn 'Abbās (Allāh be pleased with him) reported that the Apostle of Allāh (peace and blessings of Allāh be upon him) said : Surely there are in you



# نهاية الأرب

فنونه الأدب

Salim

Dia için tamamı  
M. ÖZ

تأليف

283-280

شهاب الدين أحمد بن عبد الوهاب النويري

Tarih	6959-3
Kayıt	297.91
Tarih	M. ÖZ

٦٧٧-٧٣٣ هـ

السفر الثالث

نسخة مصورة عن طبعة دار الكتب  
مع استدراقات وفهارس جامعة

وزارة الثقافة والإرشاد القومي  
المؤسسة المصرية العامة  
للطباعة والنشر

وقال آخر

عقبان روع والسروج وكورها \* وليوث حرب والقنا أجام  
وبدور تم والشوايك في الوعى \* هالائها والسارى غمام  
جادوا بمنوع التلاذ وجودوا \* ضربا تحذ به الطلا والهأم  
وتجاورت أسياقهم وجيادهم \* فالأرض تطر الساء تغام

وقال آخر

قوم، شراب سيفهم ورماجهم \* في كل مسترك دم الأشراف  
رجعت إليهم خيلهم بمعاشر \* كل لكل جسم أمر كاف  
يتحنون إلى لقاء عدوهم \* كتنن الألاف للألاف  
ويباشرون ظبا السيوف بأنفس \* أمضى وأقطع من ظبا الأسياف

وقال ابن حيوس

إن ترد خبر حاتم عن قرييب \* فأتهم يوم نائل أو نزال  
تلق بيض الوجه سود مثار السقع، خضر الألاف حمر النصال

ومما قيل في الصبر والإقدام

قال الله عز وجل: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ) . وقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: « لا تفتنوا لقاء العدو ولسوا الله العافية فإذا لقيتموهم فاثبتوا وأكثروا من ذكر الله وإن جلبوا وخبوا فعليكم بالصمت » .

وقال أبو الفرج البغاه

واليوم من غسق العجاجة ليلة \* والكر يخرق تحفها المدودا  
وعلى الصفاح من الكفاح وصدقه \* رذع أحال بياضها توريدا  
والظعن يقتصب الجياد شياتها \* والضرب يقدح في التليل وقودا  
وعلى النفوس من الحمام طلائع \* وانخوف ينشد صبرها المفقودا  
وأجل ما عند الفوارس حثها \* في طاعة الحرب الجياد القودا  
حتى إذا ما فارق الرأي الهوى \* وغدا اليقين على الظنون شهيدا  
لم يفرغ غير أبي شجاع والعلا \* عنه تساجى النصر والتأييدا

وقال أيضا ورؤى للبحترى

من كل متسع الأخلاق مبتم \* للخطب إن ضاقت الأخلاق والحيل  
يسى به البرق، إلا أنه قرس \* في صورة المسوت إلا أنه رجل  
يلقى الرماح بصدور منه ليس له \* ظهر وهادي جواد ما له كفل

وقال البحتري

معشر أمسكت حلومهم الأرز \* ص وكادت لولاهم أن تميدا  
فإذا الجذب جاء كانوا غيوننا \* وإذا تقع نار ناروا أسودا  
وكأت الإله قال لهم في الشحرب كونوا حجارة أو حديدا

وقال مسلم

لو أت قوموا يخلقون منية \* من بأسهم كانوا بنى جبريلا  
قوم إذا حى الوطنيس لديهم \* جعلوا الجناح للسيوف مقيلا

S. DE LAUGIER DE BEAURECUEIL, O. P.

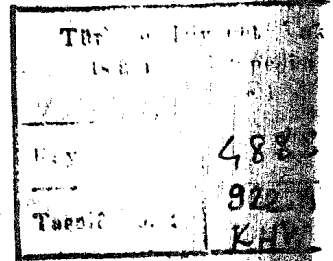
*Sabr*

KHWĀDJA 'ABDULLĀH ANSĀRĪ

(396-481 H. / 1006-1089)

MYSTIQUE HANBALITE

*DIA*  
*Terr...*  
*M...*



IMPRIMERIE CATHOLIQUE  
BEYROUTH

276

KHWĀDJA 'ABDULLĀH ANSĀRĪ

ce qui est superflu, à faire cesser le trouble et à briser la passion. *b* Or, avoir présent à l'esprit ce qui ne dispense pas de toute chose, dans la voie du Privilégié, c'est magnifier ce bas-monde et se retenir de le critiquer. *c* De plus, le principe du renoncement est de châtier l'extérieur en se privant du monde, tout en y demeurant intérieurement attentif. Or, accorder ton attention à ce qui est vil, c'est exactement revenir à ton moi (sinon, c'est que tu as mal lutté contre ton âme charnelle); c'est réduire à néant ton instant [*d'union à Dieu*] en considérant ta perception; c'est en rester à toi-même. *Dispense-le ou garde-le sans mesure* (*Cor.*, XXXVIII 38/39).

### 3. L'ABANDON (*tawakkol*)

109. *a* L'abandon à Dieu est le fait du commun des spirituels. Il consiste à confier ce qui te concerne à ton Maître et à chercher refuge auprès de Sa science et de Sa bonté, afin qu'Il y pourvoie pour toi et te fournisse ta suffisance. *b* Or, dans la voie du Privilégié, c'est là être aveugle à ce qui suffit. En effet, Dieu ne laisse rien à l'abandon, sans lui octroyer sa suffisance selon un décret providentiel, même si cela prête à contestation dans les intelligences et que les yeux en soient troublés, ou si l'on s'inquiète de ce qui est stipulé, ou si l'on est constamment tiraillé à ce sujet. Il est *le Premier* (*Cor.*, LVII 3), *Celui qui élabore* (*v. Cor.*, X 3, 32/31, XIII 2, XXXII 4/5) et l'élaboration est antérieure.

### 4. LA PATIENCE (*sabr*)

110. *a* La patience consiste à se retenir de se plaindre de l'amertume de l'épreuve, à s'empêcher de parler d'éloigner ce qui vous fait mal, et s'habituer à ce qui vous répugne. *b* Or, dans la voie du Privilégié, c'est là un voile, car c'est une contestation. En effet, le principe en est de contenir la plainte, alors que l'attitude vraie consiste à sortir de la plainte dans le plaisir que l'on prend au choix du Maître, et à l'exclure de tout état nous advenant, qu'il nous soit amer ou délectable. *Pour que vous ne désespériez point de ce qui vous a échappé* (*Cor.*, LVII 23).

EXTRAITS DES PRINCIPALES ŒUVRES

277

عن الفضول وحسم الجأش وقطع الهوى . *b* وذكر ما لا يغني عن كل شيء في طريق الخاص تعظيم الدنيا والاحتباس عن انتقادها . *c* وأصله تعذيب الظاهر بتركها مع تعلق الباطن بياها ، فإن المبالاة بالدني عين الرجوع إلى ذاتك (وإلا ساءت في منازعة نفسك) ، وإفناء وقتك في شهودك حسك ، وبقاؤك معك . ﴿فَأَمْسِنُ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ .

### [ باب التوكل ]

109 *a* وأما التوكل فإنه للعوام ، وهو كلتك الأمر إلى مولاك والتجاؤك إلى علمه ورافته ليدبره لك ويكفيك . *b* وهذا في طريق الخاص عمى عن الكفاية لأن الله تعالى لم يترك أمراً مهماً إلا مكفياً على قدر ، وإن اختلفت في العقول وتشوش الأعين ، أو اضطرب في المعهود ، أو تراجع في التجاذب . وهو ﴿الأول﴾ ﴿المدبر﴾ ، والتدبير أقدم .

### [ باب الصبر ]

110 *a* وأما الصبر فهو كفة الشكوى على مرارة البلوى ، وعقد اللسان عن الحكاية عن كفة الأذى ، وتوطين النفس على المكروه . *b* وهذا في طريق الخاص حجاب لأنه منازعة ، فإن أصل هذا كتمان الشكوى والحقيقة الخروج عن الشكوى في التلذذ باختيار المولى ، والذهاب به عن كل حال وارد بمر أو حلو . ﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ﴾ .

Israh  
Al-Jawab  
Al-Jawab

# الدعاء الخلقية للنواب الشرعية

22 MAYIS 1991

Sabir (148-181)

تأليف

المجرب الدكتور ضبي محصاني

عضو المجامع العلمية العربية

نائب بيروت سابقاً. ورئيس فخري في محكمة الاستئناف والتمييز  
أستاذ في كليات الحقوق في جامعة بيروت (سابقاً)

Turkish Language	211
ISBN	9953-0-10-00000-0
Year	1995
Pages	299.5
Price	10,000.00

دار العلم للملايين

ص.ب ١٠٨٥ - بيروت

1995

لا سيما اذا اقترنت وتقوت بالايان الصحيح ، ان تهذب النفس وتحقق فيها أعلى ما يمكن أن يمتلكه الانسان وأعلى ما يصبر اليه ، وهو ترقية نفسه بالذات ، وتزيينها بالشخصية والكرامة والاخلاق السامية .

وتتركز قوة الارادة هذه في فضيلة الصبر بمعناه الواسع . وهكذا . تلعب فضيلة الصبر ، المعبرة عن قوة الارادة ، دوراً كبيراً في ميدان جهاد النفس ، وفي تنمية الفضائل التي تثمر عن نجاحها في هذا الجهاد ، والتي يتوزع معظمها على الفئتين الرئيسيتين ، وهما العدل والاحسان ، كما سنرى . لذا ، اندمج الصبر ، بمعناه الواسع هذا ، في كثير من الفضائل الاخرى . فاستعمل مراراً في معرض سائر الفضائل ، إما زيادة عنها بطريق المرادفة ، أو بالاضافة اليها بطريق التفريع .

وبهذا المعنى العام ، مثلاً ، جاء تعريف النبي (ص) ، في موعظته الشهيرة للصحابي عبد الله بن مسعود (رض) ، حيث قال عن الصابرين أنهم :

« الذين يصبرون على طاعة الله ؛ واجتنبوا معصيته ، الذين كسبوا طيباً ، وانفقوا قصداً . وقدموا فضلاً ، فأفلقوا وأصلحوا . يا ابن مسعود ، سباهم الخشوع والوقار ، والسكينة والتفكير ، واللين والعدل ، والاعتبار والتدبير ، والتقوى والاحسان ، والحب في الله والبغض في الله ، واداء الامانة والعدل ، ومعاونة أهل الحق ، والعفو عن ظلم . يا ابن مسعود ، اذا ابتلوا صبروا ، واذا اعطوا شكروا . واذا حكموا عدلوا ، واذا قالوا صدقوا ، واذا عاهدوا وفوا . واذا اسأوا استغفروا ، واذا احسنوا استبشروا . واذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما واذا مروا باللغو مروا كراما . يبيتون لربهم سجداً وقياماً ، ويقولون للناس حسناً . يا ابن مسعود ، والذي بعثني بالحق ان هؤلاء هم الفائزون »<sup>١</sup> .

١ مكارم الاخلاق ص ١٩٧ .

## الباب الرابع

### فضيلة الصبر

#### الفصل الأول

معلومات عامة

#### قوة الارادة والصبر

يتفاوت الناس كثيراً في استعدادهم ومقدرتهم على اكتساب مكارم الاخلاق ، وفي تمكنهم من الافادة من الفضائل المختلفة ، لا سيما من استعمال قوة العقل والحكمة وقوة الاعتدال ، اللتين أشرنا اليها في معرض سابق .

وهذا التفاوت في قدرة الاكتساب والاداء يرجع الى تفاوت الناس في قوة ارادتهم ، التي تسيطر على نجاحهم في جهاد النفس ، الذي هو الجهاد الروحي الأكبر . ولا غرو من ذلك ، فاذا كانت الارادة والثابرة فيها تجرح العجائب في مجالات العلم والاختراع والاعمال المادية ، فأحرى بها ،

# AL-HADIS

An English Translation & Commentary

OF

## Mishkat-ul-Masabih

(Containing sayings, doings and teachings of the Holy Prophet and events before and after Resurrection)

With

Suitable arrangements into Chapters and Sections

By

AL-HAJ MAULANA FAZLUL KARIM

BOOK I

Saber

Title	Mishkat-ul-Masabih
Author	Malik Sirajuddin & Sons
Price	83.54-1
ISBN	297-334
Code	FA2-H

Malik Sirajuddin & Sons

Publishers, Lahore-8 (Pakistan)

Konu 439-442 sayfaları arasındadır

him firm in his sins, and he will see in himself that he is ruined. He will say : I covered them from you in the world, and I shall forgive them for you to-day. Then he will be given the book of his virtues. And as for the unbelievers and the hypocrites, proclamation will be made about them before the principal creatures : These are those who have brought falsehood against their Lord. Behold ! curse of Allah upon the oppressors. —Agreed.

144w. Ammar reported that the Messenger of Allah said : Whoever has got two faces in this world, will have two tongues of fire on the Resurrection Day.

—Darimi

أَتَعْرِفُ ذَنْبَ كَذَا فَيَقُولُ نَعَمْ أَيْ رَبِّ حَتَّى  
قَرَّرَهُ بِذُنُوبِهِ وَرَأَى فِي نَفْسِهِ أَنَّهُ قَدْ هَلَكَ  
قَالَ سَتَرْتُهَا عَلَيْكَ فِي الدُّنْيَا وَ أَنَا أَغْفِرُهَا  
لَكَ الْيَوْمَ فَيُعْطَى كِتَابَ حَسَنَاتِهِ وَ أَمَا  
الْكُفَّارُ وَ الْمُنَافِقُونَ فَيُنَادَى بِهِمْ عَلَى رُؤُسِ  
الْأَخْلَاقِ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ  
إِلَّا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ - (متفق عليه)  
عن عمار قال قال رسول الله صلعم  
من كان ذا وجهين في الدنيا كان له يوم  
القيامة لسانان من نار - (الدارسي)

### SECTION 13

#### 365—Patience (الصبر)

(a) Meaning of patience. Patience means to deny something to oneself. Patience is like quinine which, though bitter, is best for material diseases, or like a wise commander of army who, though silent, is watching the positions of his enemies. Man has been created of hasty temperament (21 : 37Q), and therefore the acquisition of patience cannot but be great. There is still a deeper meaning of patience. Patience is an attribute only of men and not of beasts. Beasts are subordinate to instincts and passions. Angels need no patience as they know not how to commit sin. The need for patience is only for man who has got devilish tendencies in him (12 : 53Q). In the man, patience is at a discount when he is a mere boy, as he has then his natural appetite for food like beasts, and when he is a little grown up, he has got instinct

*mushā'aras* [q.v.], gatherings of poets where the poetic skills could be sharpened in competitive improvisations. This replaced the earlier tradition of imitating the works of older poets mainly accessible through written sources.

Explanations for the rise of these innovations have been sought in various directions: the political and religious revolution in Persia brought about by the establishment of the Şafawid state, the different cultural conditions in India as well as structural changes in Persian society. These theories were discussed, and nearly all refuted, by E. Yarshater (278 ff.), who himself proposed that the mannerism of the Indian style would signal the end of classical poetry as a living artistic tradition. In recent years, Persian critics have emphasised that a distinction should be made between an early, moderate phase, culminating in the works of Şā'ib (d. 1088/1677-8), and a more extreme stage of the same stylistic trends, as they are exemplified especially in the works of later poets who lived outside Persia, like Nāşir 'Alī Sirhindī [q.v.] (d. 1108/1697) and Bīdil [q.v.] (d. 1133/1720) in India and Şawkat of Bukhārā (d. 1107/1695-6) in Central Asia. This view led to a reappraisal of the artistic merits of Şafawid literature [q.v.].

**Bibliography:** Riḍā-Ḳulī Khān Hidāyat, *Madjma' al-fuṣahā'*, Tehran 1295/1878, i, 1-5; Shibli Nu'mānī, *Shi'r al-adjam*, Pers. tr. M.T. Fakhr-i Dā'ī Gilānī, iii, Tehran 1335 sh./1956, 1 ff.; E.G. Browne, *LHP*, iv, Cambridge 1924; M.T. Bahār Malik al-Shu'arā', *Bāzgaşt-i adabī*, in *Armaġhān*, xiii (1311 sh./1932), 440 ff.; idem, *Sabkshināsī*, Tehran 1331 sh./1952, i, pp. 7-10; J.E. Bertel's, *K voprosu ob "Indijskom stile" v persidskoy poezii*, in *Charisteria Orientalia*, ed. F. Tauer et alii, Prague 1956, 56-9; A. Bausani, *Contributo a una definizione dello "stile indiano" della poesia persiana*, in *AIUON*, N.S. vii (1958), 163-91; idem, *Storia della letteratura neopersiana*, Milan 1960, 478-93; idem, *Le letterature del Pakistan*, Milan 1968, 37-81; W. Heinz, *Der indische Stil in der persischen Literatur*, Wiesbaden 1973 (with *Literaturverzeichnis* at 115-18); Shafi'i Kadkani, in *History of Persian literature from the beginning of the Islamic period to the present day*, ed. G. Morrison, Leiden 1981, 150-64; R. Zipoli, *Fra Şā'eb e Ghāleb: Appunti per una storia filologica dell'estetica Indo-Persiana*, in *La Bisaccia dello Sheikh*, Venice 1981, 275-89; idem, *Ālā sabk-i Hindī dar dunyā-yi ġharb sabk-i bārūk khānda miṣhawad?*, Tehran 1363 sh./1985; Dh. Şafā, *Ta'riġh-i adabiyāt dar Irān*, vi/1, Tehran 1362 sh./1984, 521-75; Ehsan Yarshater, *The Indian or Safawid style: progress or decline?*, in *Persian literature*, ed. idem, Albany 1987, 249-88; Muḥammad Rasūl Daryāġaşt, *Şā'ib wa sabk-i Hindī dar ġustarā-yi taġkīkāt-i adabī*, Tehran 1371 sh./1992.

(J.T.P. DE BRUIJN)

**SABKHA** (A.), pl. *sibākħ*, the term used by the mediaeval Arabic geographers for salt marshes or lagoons and for the salt flats left by the evaporation of the water from such areas. Thus they employ it for describing the salt flats characteristic of parts of the Great Desert of central and eastern Persia (the present Daşt-i Kawīr and Daşt-i Lūt) and of the adjacent province of Sīstān (Ibn Hawḳal, ed. Kramers, 407, 415, tr. Kramers-Wiet, 397, 404; al-Muġaddasī, 488; cf. A. Miquel, *La géographie humaine du monde musulman jusqu'au milieu du 11<sup>e</sup> siècle*. iii. *Le milieu naturelle*, Paris-The Hague 1980, 95).

In the Magħrib, the form *sebkħa* is used to denote the salt lagoon, one of the characteristic features of the hydrography of North Africa and the Sahara, very common in the high plains, without communication with the sea. It is the terminus of a network of streams

either above ground or subterranean, which have spread out and disappear in the ground; it is a shallow basin with well-marked contours sometimes delineated by steep sides. After rain, it is more or less completely filled with water impregnated with mineral substances which accumulate at the bottom of the basin. In periods of drought, the waters evaporate completely or partly and the floor is uncovered. The floor of the *sebkħa* is covered with saline incrustations, sometimes traversed by crevasses in which the crystals gather. The salt deposit sometimes covers mud, quicksands and dangerous quagmires.

This definition and description of the features of the *sebkħa* apply equally to the *shoff*. An attempt has been made to establish a distinction between the two, the former term being applied to hollows which always remain more or less moist, the second to those whose evaporation is greater than the access of subterranean water or to those the floor of which looks like a plain losing itself in the horizon. There is no real foundation for this distinction. The two terms are employed indifferently in the same district. For example, we have in Orania the *sebkħa* of Oran and the *shoff* Ġharliu and Şarkī, in the Sahara the *sebkħa* of Timimūn (Gurara), the *shoff* of Southern Tunisia, the *sebkħa* of Wargla, of Siwa, etc.

**Bibliography:** See that to ŞAHĀRĀ.

(G. YVER\*)

**ŞABR** (A.), usually rendered "patience, endurance". The significance of this conception can hardly be conveyed in a West European language by a single word, as may be seen from the following. According to the Arabic lexicographers, the root *ş-b-r*, of which *şabr* is the *nomen actionis*, means to restrain or bind; thence *ġatalahu şabrān* "to bind and then slay someone". The slayer and the slain in this case are called *şābir* and *maşbūr* respectively. The expression is applied, for example, to martyrs and prisoners of war put to death; in the *Hadīth* often to animals that—contrary to the Muslim prohibition—are tortured to death (e.g. al-Bukhārī, *Dħabā'ih*, *bāb* 25; Muslim, *Şayḍ*, trad. 58; Aġmad b. Ĥanbal, *Musnad*, iii, 171). The word has a special technical application in the expression *yamīnu şabrīn*, by which is meant an oath imposed by the public authorities and therefore taken unwillingly (e.g. al-Bukhārī, *Manāġib al-Anşār*, *bāb* 27; *Aymān*, *bāb* 17; Muslim, *Īmān*, trad. 176).

In the *Ķur'ān*, derivations from the root *ş-b-r* frequently occur, in the first place with the general meaning of being patient. Muḥammad is warned to be patient like the Apostles of God before him (XXXVIII, 16; XLVI, 34; "for Allāh's threats are fulfilled", is added in XXX, 60). A double reward is promised to the patient (XXXIII, 113; XXVIII, 54; cf. XXV, 75). In XXXIX, 16, it is even said that the *şābirūn* shall receive their reward without *ħisāb* (which in this case is explained as measure or limitation).

The conception is given a special application to the holy war (e.g. III, 140; VIII, 66); in such connections it can be translated by "endurance, tenacity". Form VIII is also used in almost the same sense, e.g. XIX, 66, "Serve him and persevere in his service". The third stem is also found (III, 200; see below).

The word is next found with the meaning resignation, e.g. in the *sūra* of Joseph (XII, 18) where Jacob, on hearing of the death of his son, says "[My best course is] fitting resignation" (*fa-şabrūn ġiamūn*).

Sometimes *şabr* is associated with the *şalāt* (II, 42, 148). According to the commentators, it is in these passages synonymous with fasting, and they quote in support the name *şahr al-şabr* given to the month of Ramaḍān [q.v.].

As an adjective, we find *şabbār* in the *Ķur'ān*,

02 OCA 1995



- Sabir

## للشيخ ابراهيم الجبالي

### بقلم الشيخ أحمد حسن جابر رجب

العباد أن يعملوا بهما •  
الصبر على النوافل وأعمال البر مما يقرب  
العبد الى الله تعالى فيجمل نفسه على بلوغ  
الغاية منه للذي رجاه من ثواب الله - عز وجل •  
والصبر على قبول الحق ممن جاء به من  
الناس ، ودعاك اليه بالنصيحة ، فيقبل منه ،  
لأن الحق رسول من الله جل ذكره - الى  
العباد ، ولا يجوز لهم رده ، فمن ترك قبول  
الحق ورده فانما يرد على الله تعالى أمره •  
وهذا هو الصبر الواجب على الخلق الذي  
لا يسعهم جهله ، ولا بد لهم منه ، والصبر  
نصف الايمان وهو احتمال مكروه النفس اذا  
وقع بها ما تكرهه تجرعت ذلك ، وأنفت من  
الجزع ، وتركت البث والشكوى ، وكتمت  
مانزل بها • يروى في الحديث الشريف  
« ان الصبر على المكاره من حسن اليقين »

لا كان الصبر من عزائم الامور ، ومفتاح  
مغاليق الضيق ، وكان مولد النبي - صلى الله  
تعالى عليه وسلم - فاتحا لما أغلق ، ونورا  
لمن في الظلام ، وكان - صلى الله تعالى عليه  
وسلم - قدوة أولى العزم من الرسل ناسب  
أن يعقب الكلام على مولده الشريف الكلام  
فضيلة الصبر اذ هو ركيزة دعوته الى الله  
تعالى وحظى منه - صلى الله تعالى عليه  
وسلم - بحظ وافر •

يطلق الصبر على معان : هي الصبر على  
إداء الفرائض لله تعالى على كل حال : في  
الشدة والرخاء والعافية والبلاء طوعا وكرها •  
الصبر على كل ما نهى الله عنه ومنع النفس  
من كل ما مالت اليه بهواها مما ليس لله تعالى  
فيه رضا طوعا وكرها •  
وهذان صبران في موطنين : هما فرض على

# الليثية

## الكرم والصبر والعفاف

عن عطاء بن يزيد الليثي أن أبا سعيد أخبره « أن أناساً من الأنصار سألوا رسول الله صلى الله عليه وسلم ، فلم يسأله أحد منهم إلا أعطاه حتى تفيد ما عنده ، فقال لهم حين نفذ كل شيء أنفق بيديه : ما يكون عندي من خير لا أدخره عنكم ، وإنه من يستعفف يُعففه الله ، ومن يتصبر يصبره الله ، ومن يستغن يُغنه الله ، ولن تعطوا عطاء خيراً وأوسع من الصبر » . رواه البخاري .

يتعلق بشرح هذا الحديث أمور : ( ١ ) بيان معناه إجمالاً . ( ٢ ) بيان شيء من كرم رسول الله صلى الله عليه وسلم . ( ٣ ) بيان معنى الصبر وما يترتب عليه من محاسن . ( ٤ ) بيان فضيلة العفة وآثارها النافعة في المجتمع الانساني .

( ١ ) معنى الحديث ظاهر ، وحاصله أن بعض فقراء الأنصار دفعتهم الحاجة الى أن يسألوا رسول الله صلى الله عليه وسلم أن يعطيهم مالاً يستعينون به على قضاء حاجتهم الضرورية ، فأعطاهم رسول الله صلى الله عليه وسلم حتى فرغ ما عنده من مال يومئذ . فنقد ( بفتح النون وكسر الفاء ) معناه فرغ . فقال لهم الرسول صلى الله عليه وسلم بعد ذلك : إنني لا أُمْنَعُ عنكم مالاً أملكه ، فما يكون عندي من خير ( أي مال ) لا أدخره عنكم ولا أجعله ذخيرة لغيركم من أهل أو غيرهم . ثم أراد صلى الله عليه وسلم أن يذهب بهم الى معنى السعادة الحقيقية ، وما ينبغي أن يكون عليه الانسان من الصفات الممدوحة عند النوائب والحزن ، فقال لهم : « وإنه من يستعفف يعفه الله ، ومن يتصبر يصبره الله ، ومن يستغن يغنه الله » الخ .

وهذا الحديث وأمثاله من الأحاديث التي تحت على الفضائل ومكارم الأخلاق ، يدل دلالة واضحة على ما كان عليه رسول الله صلى الله عليه وسلم من العناية بتهديب أمته وتقويم أخلاقها ، وحثها على سلوك سبيل الفضائل في كل شأن من شؤونها . فلو أن المسلمين عملوا بما جاءهم به رسول الله صلى الله عليه وسلم على وجهه الصحيح وفهموه حقاً ، وعملوا بما أمرهم به ، واجتنبوا ما نهاهم عنه ، لكانوا أسعد الأمم حظاً ، وأجلهم قدراً في كل زمان ومكان .

## الصبر في القرآن

لفضيلة الأستاذ الدكتور يوسف القرضاوي

الصبر من أبرز الأخلاق القرآنية التي غنى بها الكتاب العزيز في سورة المكية والمدنية . وهو أكثر خلق - بضم الخاء - تكرر ذكره في القرآن .

قوله : أي شيء أفضل من الصبر ، وقد ذكره الله تعالى في كتابه في نيف وتسعين موضعا ؟ !

ولا نعلم شيئا ذكره الله تعالى هذا العدد الا الصبر (١) !

يقول الامام الغزالي في كتاب « الصبر والشكر » من « ربع النجيات » من كتابه : « احياء علوم الدين » : ذكر الله تعالى الصبر في القرآن في نيف وسبعين موضعا (٢) .

والناظر في « المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الكريم » يجد مادة «ص ب ر» بكل مشتقاتها قد وردت في القرآن مائة مرة وبضع مرات .

وينقل العلامة ابن القيم في « مدارج السالكين » عن الامام أحمد قوله : الصبر في القرآن في نحو تسعين موضعا (٣) .

ولا تنافي في رأيي بين هذه التقديرات على اختلافها ، وبين الاحصاء الرقبي للمعجم المفهرس ، لأن الموضع الواحد قد ذكر فيه مادة «ص ب ر» أكثر من مرة فيحسبها

وكذلك ينقل أبو طالب المكي في « قوت القلوب » عن بعض العلماء

بها من مصلحة الجماعة واقامة لها على الجادة في سيرها لما في ايجابها أو منعها من الفوائد في سائر ما تناولته من شؤون الطعام أو المياينة أو المعاشرة أو الاعتداء على نفس أو عرض أو اعانة على ظلم ونحو ذلك مما شملته آيات القرآن الكريم ، وإذا كان الله يبغض التغيير في أحكامه بتحليل الحرام أو تحريم الحلال ، فإن بغضه لتحريم الحلال أشد لما في ذلك من التضييق على

المسلمين ، وقد جاء ذلك العمل قرينا للشرك في بعض الأحاديث ان وجوب الايمان بالقرآن وجوب للايمان بنصه واعجازه ومقاصده وبخاصة أحكامه ، والايمان بها يستدعي تصديقها والعمل بها عن اخبات ورضا والاخلال بأحد هذين العنصرين يفضي الى الكفر أو العتيان ونعوذ بالله منهما .

أبو الوفا المراغي

من قواد الاسلام : قتيبة بن مسلم الباهلي : في سنة ٩٦ هـ سار قتيبة الى حدود الصين على رأس جيش كثيف . ولما قرب منها أرسل الى ملكها وقد برئاسة ( هبيرة بن المشمرج الكلابي ) وبعد مراسلات ... قال ملك الصين :

انصرفوا الى صاحبكم فقولوا له : ينصرف ، فاني قد عرفت حرصه وقلة أصحابه والابعث من يهلككم . . .

فقال له هبيرة : « كيف يكون قليل الأصحاب من أول خيله عندك وآخرها في منابت الزيتون . . . وترك بلاده وغزاه ؟ وأما الموت فلسنا نركبه ولا نخافه » .

فأجابته ملك الصين : « فما الذي يرضى صاحبك ؟ » قال هبيرة : « انه قد حلف الا ينصرف حتى يظأ أرضكم ويختم ملوككم ويعطى الجزية » .

فقال الملك : « فانا نخرجه من يمينه . نبعث اليه بتراب أرضنا فيطؤه ، ونبعث ببعض أبنائنا فيختتمهم ، ونبعث اليه بجزية يرضاه » .

ثم دعا بصحاف من ذهب فيها تراب ، وبعث بحريير وذهب ، وأربعة غلمان من أبناء ملوكهم ثم أجاز الوفد ، فساروا حتى قدموا على قتيبة ، فقبل الجزية ، وختم الغلمان ، وردهم ، ووطئ التراب ثم عاد الى مرو . ١ هـ الطبري ج ٨ ص ١٠٠ - ١٠١ .

١ (١) احياء علوم الدين ج ٤ ص ٦١ ط . دار المعرفة بيروت

٢ (٢) مدارج السالكين ج ٢

٣ (٣) قوت القلوب ج ١ ص ١٩٧ .

## مقام الصبر عند الصوفية

إقلام الأستاذ  
أبو الوفاء التفتازاني

مدرس الفلسفة الإسلامية بكلية الآداب  
بجامعة القاهرة

قال تعالى: «إنما يوفى الصابرون أجرهم بغير حساب»  
صدق الله العظيم.

الكتاب والسنة،  
ويظهرنا القشيري في رسالته  
على أن الصبر على أقسام: صبر على  
ما هو كسب للعبد، وصبر على ما ليس  
بكسب له، فالصبر على المكتسب  
على قسمين: صبر على ما أمر الله  
تعالى به، وصبر على ما نهى عنه.  
وأما الصبر على ما ليس بمكتسب  
للعبد فصبره على مقاساة ما يتصل به  
من حكم الله فيما يناله فيه مشقة.  
وما يعنيه القشيري هو أن  
الإنسان ينبغي أن يكون متحققا  
بالصبر فيما هو كسب له، وفيما ليس  
بكسب له، فتحققه بالصبر على ما هو  
كسب له بما أمر الله تعالى به هو

مقام الصبر من أعلى مقامات  
السلوك عند الصوفية، وقد اقترن  
الصبر بالإيمان، فهو على حد قول  
رسول الله صلى الله عليه وسلم نصف  
الإيمان، فلا إيمان لمن لا صبر له،  
وقال الإمام علي بن أبي طالب كرم  
الله وجهه: «عليكم بالصبر فإن الصبر  
من الإيمان كالرأس من الجسد، ولا  
خير في إيمان لا صبر معه».  
وقد تحدث شيوخ الصوفية في  
معنى الصبر، فعبر كل واحد عن  
ذوقه، وجميع ما عبروا عنه من  
معاني الصبر مستمد من أدب القرآن  
والسنة، حتى أن بعض الخواص  
عرفوا الصبر بأنه «الثبات على أحكام

للتأمل، والإنسان لا يصير، بمجرد  
قراءته متصوفا، على أن ما كتبه  
كبار الصوفية لا يفهمه إلا من كان  
أهلا لفهمه. ولأجل أن يصير  
الإنسان في طريق التصوف لا بد  
له من:

١ - استعداد فطري خاص  
لا يفتى عنه اجتهاد أو كسب.  
٢ - الانتساب إلى (سلسلة)  
صحيحة، إذ أن البركة التي تحصل  
من الإلتساب إلى السلسلة الصحيحة  
هي الشرط الأساسي الذي لا يصل  
الإنسان بدونه إلى أي درجة من  
درجات التصوف حتى البدائية  
منها.

ثم يأخذ المتصوف، الطيب  
القطرة، الذي باركه شيخه في الجهاد  
الأكبر: «تأمل الروحي، وفي  
الذكر: أي استحضار الله في كل  
ما يأتي وما يدع، وفي تركيز الذهن  
في الملأ الأعلى فيصل موقفا من  
درجة إلى درجة حتى يصل إلى أعلا  
الدرجات، وهي حالة تسمو على  
حدود الوجود الموقت فيصبح  
ربانيا. ذلك هو الصوفي الحقيقي.

ومنطقيا وكلاميا، ولكن تفسيره  
صوفيا اقتضى مرور زمن لتأمله في  
عمق وشمول. وإذا كان القرآن  
مصدر الشريعة والحقيقة معا فلا  
يمكن أن يوجد بينهما تناقض أو  
اختلاف ما. وكيف يوجد  
الاختلاف ومصدرهما واحد؟  
وكيف يوجد الاختلاف والحقيقة  
لا تقوم إلا على الشريعة في أساسها  
وفي سندها.

ولا بد في التصوف من شرط  
جوهرى هو (التأثير الروحي) أو  
بتعبير أدق (البركة) وهي لا تأتي  
إلا بواسطة (شيخ) ومن هنا كانت  
(الطرق)، ومن هنا كانت السلسلة  
وهل السلسلة إلا بركات تنتقل من  
شيخ إلى مرید يوشك أن يصبح شيئا  
فيؤثر بدوره في مرید أو مریدين؟  
ونظم هذه الكلمة بملاحظته  
جوهرية تتعلق بطبيعة التصوف وهي  
أن التصوف ليس عملا عليا ولا  
بحثا نظريا، إنه لا يتعلم بواسطة  
الكتب على الطريقة المدرسية بل  
إن ما كتبه كبار مشايخ الصوفية  
أنفسهم لا يستخدم إلا كحافز مقو

## اللباب في تسليّة المصائب

تصنيف

أبي الحسن علي بن أيوب بن منصور المقدسي

المتوفى سنة ٧٤٨ هـ

تحقيق وشرح وتعليق

عبدالقادر أحمد عبدالقادر

الحمد لله حمداً كثيراً ، والصلاة والسلام على خير الأنام ، وعلى آله وصحبه وسلم ، وبعد :

فإن الله سبحانه وتعالى خلق الإنسان في هذه الحياة ، ووضع في مواقف الاختبار ، فينعم عليه طالباً منه الحمد على نعمه والشكر له ، ويبتليه طالباً منه الصبر على ما أصابه ، وفي الحالتين ؛ حالتي الشكر والصبر فضل كبير وأجر عظيم .

ونعم الله كثيرة ، لا يستطيع إنسان ، مهما أوتي من القدرة ، أن يحصي هذه النعم ، لكننا نستطيع أن نقول : إن ما يصيب الإنسان من المحن والبلايا والأرزاء من أجل نعم الله علينا ، وأجل هذه الأرزاء الموت ، ففيه الراحة من عناء هذه الحياة الدنيا التي حُتّت بالمكاره ، لمن جاءه الموت ، واختطفه ، وفيه الأجر العظيم ، لمن فقد عزيزاً عليه ، إن احتسبه عند الله وصبر .

وليس هدفنا هنا أن نعدّد ذاكرين فوائد الموت ، وإنما أردنا بما ذكرناه ، أن في كل شيء خيراً للإنسان المؤمن بربه ، وبقضائه وقدره ، بين يدي

وليحمل ذنوبهم ، ويكفر بنفسه عن أخطائهم ، ويستدر رحمتهم ، وعطفهم عليه ، وبكاءهم من أجله ، ورتاءهم له .

وجعلوا من شرط النجاة والخلاص ، ودخول الملكوت في الآخرة أن ترحم أنت الإله ، وتبكي من أجله ، وتأسى لأحزانه ، وتتألم لصراخه على الصليب ، الذي كان - كما يقولون - يقطع القلوب ، وتعترف بأن هذا الإله المصلوب جاء ليخدمك ، ويتوب عنك ، ويحمل أوزارك ...

وأي عقل سليم يستسيغ مطلقاً أن يكون الدليل إلهاً ، والذي يبكي على الصليب معبوداً ، والذي يتوجع ؛ لأنه لا يملك بيتاً يضع رأسه فيه - في حين تملك الطيور أعشاشاً ، والشعالب أوكاراً - مالكاً للسماوات والأرض متصرفاً في الكون !!!؟

فهل يستحق هذا الإله المصلوب إلا الرثاء ، والبكاء لآلامه وأحزانه . وهذه ليست عبادة ؛ لأن العبادة الحقّة تعني الذل ، والخضوع ، والخوف ، والرهبية ، والإنابة ، والتعظيم ، والحب ، وعيسى عليه السلام كما صوره النصارى لا يستحق إلا الشفقة عليه ، والرحمة له ، ومثل هذا لا يكون قط إلهاً ورباً .

والخلاصة أن دين النصرانية ، وشركهم ، وتثليثهم ، وقولهم بالصّلب والقداء والخطيئة والخلاص لم يأت به دليل في النبوات الأولى ، وكل ما نُقِلَ عن عيسى عليه السلام يناقضه ، ويخالفه ، ولا يستسيغه عقل سليم قط ، وهو دين ابتدعه بولس اليهودي ، واخترعه الرومان ، الذين أرادوا الدخول في النصرانية ، دون أن يفارقوا عقائدهم الوثنية في تعدد الآلهة ، وفي أن الإله يجب أن يكون في خدمة البشر ، لا أن يكون البشر في خدمة إلههم ، ومولاهم !!



07 KASIM 1995

determination over everything (*qadar*) and the divine “decree” (*qaḍāʾ*; see FREEDOM AND PREDESTINATION). There are, for example, two verses (Q 33:3, 48) in which God warns Muḥammad never to yield to “those who deny God” (*al-kāfirīn*; see LIE; GRATITUDE AND INGRATITUDE) and to the “hypocrites” (*al-munāfiqīn*; see HYPOCRITES AND HYPOCRISY) — especially when, at one point, they seek reconciliation by pressuring him to compromise the integrity of the divine message and recognize the intercessory role of certain pagan deities before God (Bayḍāwī, *Anwār*, ad Q 33:1-2). Even when such a compromise appears to be the *sine qua non* of Muslim survival in an overwhelmingly pagan environment, Muḥammad is told that compromise is not an option. Instead, both verses (Q 33:3, 48) go on to enjoin the Prophet — and, by implication, all the faithful — to place absolute trust in God (*tawakkal ʿalā llāh*) precisely because “God is the guardian (*wakīl*) who never fails” (*wa-kafā bi-llāhi wakīlan*). For classical Sunnī exegetes (see EXEGESIS OF THE QURʾĀN: CLASSICAL AND MEDIEVAL) such as al-Bayḍāwī (d. prob. 716/1316-17), the statement, “God is the guardian who never fails” (Q 33:3, 48) is synonymous with the statement in Q 39:62, “God is the guardian of everything” (*wa-huwa ʿalā kulli shayʿin wakīlun*); each statement means that “all matters are in God’s charge” (*mawkūlan ilayhi l-umūru kulluhā*; Bayḍāwī, *Anwār*, ad Q 33:3), or that God “has absolute power of disposal [over all things]” (*yatawallā l-taṣarruf*; Bayḍāwī, *Anwār*, ad Q 39:62).

Modern translators and exegetes (see EXEGESIS OF THE QURʾĀN: EARLY MODERN AND CONTEMPORARY) such as Muḥammad Asad (d. 1412/1992) agree and point out that the Qurʾānic references to God as *wakīl* (i.e. the only proper object of *tawakkul*) allude “to God’s exclusive power to *determine the fate* of any created being or thing”

(Asad, *Message*, ad Q 17:2). In general, therefore, the Qurʾānic imperative that the faithful place their absolute trust (*tawakkul*) in God, and the corollary imperative that they adopt no one other than God as the ultimate guardian of their affairs (e.g. Q 17:2) have a deep semantic and theological connection to the well known Qurʾānic refrain, attested a total of thirty-five times: “God has the power of determination over everything” (*Allāh* [or simply *huwa*] *ʿalā kulli shayʿin qadīrun*). In other words, the only proper human response to the absolute and limitless nature of God’s power of determination over all things (*qadar*) is an equally absolute and limitless trust in, and reliance upon, God. Anything less would necessarily imply the sin of *shirk* — ascribing a partner to the partner-less God — and would thus seriously compromise one’s faith.

- Sabir

#### Sabr

Reference to Job (q.v.) as a paradigmatic embodiment of the virtue of patience is as deeply Qurʾānic as it is biblical. Of the four appearances of the prophet Ayyūb (i.e. the biblical “Job”) in the Qurʾān (Q 4:163; 6:84; 21:83-5; 38:41-4) two are substantive and make reference to Ayyūb’s legendary afflictions (i.e. Q 21:83-5; 38:41-4). There is, however, at least one important difference between the biblical portrait of Job and the Qurʾānic portrait of Ayyūb (see SCRIPTURE AND THE QURʾĀN; NARRATIVES; MYTHS AND LEGENDS IN THE QURʾĀN). Though both are portrayed as enduring great adversity, unlike Job, Ayyūb is not depicted as being plagued by the problem of theodicy. Not only does Ayyūb refrain from cursing the day he was born (cf. Job 3:1-12), but he not once — as does Job — attributes his travails to God (cf. Job 6:4; 8:17-18; 10:3, 8, 16; 13:24; 16:7, etc.); nor does he ask God for the reason he is suffering (q.v.; cf. Job 6:24; 10:2b); nor does he protest that “there is no

## الصبر

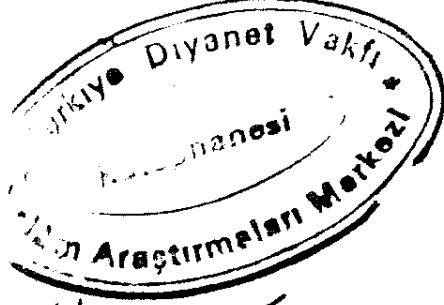
[الحج ٣٥] قال تعالى : ﴿ والصابرين  
والصابرات ﴾ [الأحزاب ٣٥]. وقوله تعالى:  
﴿ اصبروا وصابروا ﴾ [آل عمران ٢٠٠] أى  
احبسوا أنفسكم على العبادة وجاهدوا  
أعداءكم، وقوله تعالى : ﴿ واصطبر لعبادته ﴾  
[مريم ٦٥] أى تحمل الصبر بجهدك، ويعبر  
عن الانتظار بالصبر قال تعالى: ﴿ فاصبر  
لحكم ربك ﴾ [القلم ٤٨].

ومن خلال العرض اللغوي والقرآني يتبين  
لنا أن الصبر يعود في مجمله إلى إيجاد قدرة  
نفسية على الامتناع عن شيء غير مرغوب  
من الأخلاق النفسية كالجزع والجبن والضجر  
وإفشاء السر. أو إيجاد قدرة نفسية على  
تحمل أداء أمر مرغوب على الرغم مما فيه  
من مشقة، ومنه القدرة على تحمل الامتناع  
عن المفطرات في الصوم.

وإذا عدنا إلى القرآن الكريم فإننا نجد  
بيانا شاملا حول خلق الصبر، وكيف يتكون  
لدى النفس المؤمنة، مع بيان المواقف التي  
تستدعيه وبيان الثواب العظيم الذي يستحقه  
من يتصفون بصفة الصبر ويكونون من

من المعاني اللغوية لكلمة (الصبر) أنه  
نقيض الجزع، يقال: صَبَرَ يَصْبِرُ صَبْرًا صَابِرٌ  
وصَبَّارٌ وصَبِيرٌ وصَبُورٌ، فهو حبس النفس  
عند الجزع، وأصل الصبر الحبس، وسمى  
الصوم صَبْرًا لما فيه من حبس النفس عن  
الطعام والشراب والنكاح.

وفي المفردات في غريب القرآن الكريم  
للأصفهاني في الحديث عن الصبر قوله:  
(الصبر: الإمساك في ضيق، يقال: صبرت  
الداية: حبستها بلا علف.. والصبر حبس  
النفس على ما يقتضيه العقل والشرع، أو عما  
يقتضيان حبسها عنه.. فالصبر لفظ عام،  
وربما خولف بين أسمائه بحسب اختلاف  
مواقفه، فإن كان حبس النفس لمصيبة سمي  
صَبْرًا لا غير، ويضاده الجزع، وإن كان في  
محاربة سمي شجاعة، ويضاده الجبن، وإن  
كان في نائبة مضجرة، سمي رحب الصدر،  
ويضاده الضجر، وإن كان في إمساك الكلام  
سمي كتمانًا .. وقد سمي الله تعالى ذلك  
صَبْرًا ونبه عليه بقوله تعالى : ﴿ والصابرين  
في البأساء والضراء ﴾ [البقرة ١٧٧] - قال  
تعالى : ﴿ والصابرين على ما أصابهم ﴾



16 HAZİRAN 1995

فضل

كاتبه  
ال

الجلد عند

فقد القول

مخاتمة الحفاظ

جلال الدين السيوطي

Türkiye Diyanet Vakfı  
âm Araştırmaları Merkezi  
Kütüphanesi

Kitap No

28616

Sıra No

297.3

SUY.F

تحقيق

محمد السيد أبو عمير

دار الطباعة للتراث بطنطا  
ت: ٢٢١٥٨٧ ص: ٤٧٧

١٤١٠ - ١٩٩٠



# KUR'AN-I KERİM İŞİĞİNDA SABIR KAVRAMI

Arş. Gör. Mehmet DEMİRCİ

E. Ü. İlahiyat Fakültesi  
mdemirci@erciyes.edu.tr

## Özet

Makalede Kur'anı Kerim'de zikri geçen ahlâki kavramlardan birisi olan sabır ele alınmaktadır. Çalışmanın giriş kısmında sabrın sözlüklerdeki anlamı incelenerek tanımına dair bazı ön bilgilere yer verilmiştir.

Bir kavram olarak sabrın anlamının açık olarak ortaya konabilmesi için, sabırla ilgili olduğu görülen hilm, cehl ve cezu' gibi bazı kavramlar incelenmiş, kavrama zaman içerisinde ne gibi anlamlar yüklendiğini ortaya koyabilmek için de, İslam öncesi dönemdeki anlamıyla Kur'an'ın indiği dönem içindeki anlamları arasında karşılaştırmalar yapılmıştır. İslamî ilimlerin ve fikir akımlarının gelişme gösterdiği sonraki dönemde ise kavram, daha çok tasavvuf geleneği içerisinde ele alınmış ve çeşitli şekillerde değerlendirilmiştir.

Kur'an bağlamında sabır kavramı takva, tevekkül, şükür ve namaz gibi kelimelerle birlikte zikredilmektedir. Çalışmada bunlar ile sabır arasındaki ilişkinin ne olduğuna kısaca temas edilmiştir.

Son olarak kavram, ruhi ve ahlâki açıdan ele alınmış ve Kur'an'ın bakış açısı ortaya konmaya çalışılmıştır.

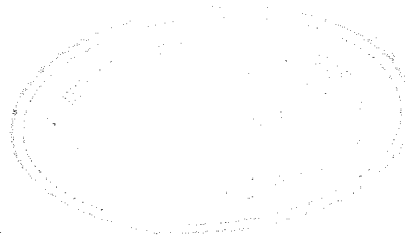
## 1. Giriş

Kur'an'ı Kerimde, ana kaynaklarda, hatta günlük hayatımızda çok sık geçen sabır kavramının mahiyeti, yani sabrın ne olup ne olmadığı çok açık bir şekilde ortaya konmamış ya da en azından bu konuyu derinlemesine inceleyen bir araştırma yapılmamıştır. Hangi durumlarda ne dereceye kadar sabır gerekir? Sabredilmeyecek veya sabrın yanlış sonuçlara yolaçabileceği durumlar var mıdır? gibi sorular, ana kaynaklar esas alınarak açık bir şekilde cevaplandırılmamıştır.

Kavramı doğru anlayabilmek için onun ahlâki yönünün de incelenmesi gerekmektedir. Çünkü sabır her şeyden önce ahlâk ile ilişkili olup, kişinin ahlâki bakımdan olgunluğunu gösteren önemli bir meziyettir. Bunun için sabrın ahlâki açıdan ele alınarak incelenmesi ve Kur'anın ahlâk anlayışında

Erciyes Üniversitesi  
Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi,  
sayı: 12 , yıl: 2002 / Bahar, Kayseri,  
s. 263-285.

D. 199



Nür ile taldı zemîn ü âsumân	Dîne düşmen olanı maḡhūr kıł
Ger dilerseñ nâr-ı dūzahdan necât	Dîni ḡālîş olanı mesrūr kıł
Aḡmed ü âl-i ‘abâya vir şalât	Leşker-i İslâm’a vir dâim zafer
Eylerim maḡbûbunı yâ Rab şefî	Düşmen üzre ḡâlib olsun her sefer
Ol ḡümâ-yı kâbe kavseyñ-i refî	Bâ‘îş-i nazmı daḡı mesrūr kıł
60. Enbiyâ vü evliyânın cümlesin	Nâzım ile kâtibi maḡfūr kıł
ḡayder ü Zehrâ vü ‘itret zümresin	ḡādımân-ı ehl-i beyte dâḡil it
Hem deḡâlet eylerim ey-pâdişâh	Yevm-i maḡşerde beni ey Rabb-i beyt
Teşne-ḡân-ı Kerbelâya yâ İllâh	70. Tâ ki olsunlar baña ol dem şefî
Mazhar-ı ‘işmet-olan şadıḡlara	Ol cenâbân-ı ulu’l-ḡadri’r-refî
Sîne-çâk u dâḡ-ı dil ‘âşıḡlara	Nâr-ı dūzahdan ‘inâyet kıł emân
Tâ ḡarîn-i ‘afv ola ‘işyânımız	Cennetiñ iḡsân buyur yâ Müste‘ân
Cebr olunsun kesr ile noḡşânımız	Faḡr-i ‘âlem ḡürmeti-ḡün yâ ḡafūr
Eyle tevḡîḡiñ baña yâ Rab refîḡ	ḡaşr-ı Zehrâ’dan beni sen itme dūr
Olayım deryâ-yı lûtfuñda ḡarîḡ	Maḡrem-i esrâr u nâzır ber-cemâl
65. Sâmi‘ine eyle yâ Rab maḡfîret	ḡıl bizi yâ ze’l-Celâli ve’l-Kemâl
Ya‘ni olduḡca muḡıbb-i ehl-i beyt	Ehl-i beyte fâtiḡa olsun hemîn
	Raḡmetu’llâhi ‘aleyhim ecma‘în.

01956

C.Ü. İlahiyat  
Fakültesi Dergisi  
XII/2 - 2008, 439-466

### Kur’an’da İmânî Ve Ahlâkî Bir Tavrı Olarak Sabır

Recep ÖNAL\*

#### Özet

Bu çalışma, Kur’an’ın temel ahlâkî ilkelerinden biri olan “sabır” konusuna kelâmî bir yaklaşım sergilenmektedir. Kur’an’da “sabır” ile ilgili ibarelerin geçtiği âyetler yüzden fazladır. İnsanı bir nitelik olmakla birlikte dinî bir değer içeren sabır kavramı, böylece dünyevî ve uhrevî bir özelliğe sahiptir. Birçok anlamı bulunan terimin, “iyiliği emretme, kötülüğü yasaklama” yanında menfî olaylar karşısında, dilini ve kalbini olumsuz tepkiden uzak tutmak şeklindeki manasıyla, imânî boyutuḡ göstergesi olmaktadır. Bu nedenle sabır, imanin güçlülüḡünün (tahkiki iman) dünyadaki bir yansımasıdır.

**Anahtar Kelimeler:** Sabır, Kur’an, İbadet, Ahlâk, Musibet, İman

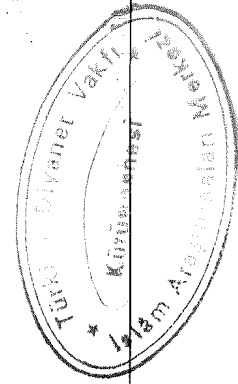
#### Abstract

In this study, a theological (kalam) approach towards the topic of “sabr (patience)” one of the moral concepts of the Quran is watched closely. There are more than one hundred verses related to the concept of sabr in the Quran. The concept of sabr with a humanitarian and religious side has a worldly and otherworldly feature. Having many senses, the concept has a side to speak goodness and to forbid badness. The concept having also a meaning to refrain the tongue and heart from negative verbs is the sign of faith. Consequently, the sabr is the reflection of the mighty faith in the world

**Key Words:** Patience, Quran, Worship, Morality, Calamity, Faith

#### Giriş

Herhangi bir düşünce ve inanç sisteminin üzerinde yükseldiḡi kavramlar, ait oldukları inanç sisteminin bir anlamda temel yapı taşlarından birini oluşturmakta ve o sistemin yaklaşımlarını ifade etmektedirler. Bu bakımdan bir düşünceyi doğru bir şekilde anlamak için takip edilecek en uygun yöntem, onun kavramlarını tahlil



10 5 EKİM 2009

MADDE 547 NİSALANAN  
SONR

• لِعِزِّ السَّلِيمِينَ فِي مَصَائِبِهِمْ

الْعِيبَةُ بِي -

ما - ك ١٦ ج ٤١

• الأَمْرُ بِالْعِزِّ فِي الْحَرْبِ -

بخ - ك ٥٦ ب ٣٢

• صَبْرُ اللُّؤْمِينَ -

مس - ك ٥٣ ج ٦٤

حم - رابع ص ٣٣٢ و ٣٣٣ ق

ط - ح ٢١١

• الصَّبْرُ

SABIR 1

• الأَمْرُ بِالْعِزِّ -

بخ - ك ٢٣ ب ٧ و ٣٢ و ٤٣ ؛

ك ٢٤ ب ٥٠ ؛ ك ٦٧ ب ٦ ؛

ك ٨٢ ب ٤ ؛ ك ٩٣ ب ١١

مس - ك ١١ ح ١٤ و ١٥

بد - ك ٢٠ ب ٢٢

تر - ك ٨ ب ١٣ و ٦٤ ؛

ك ٢٥ ب ٧٧

نس - ك ٢١ ب ٢٢

مج - ك ٦ ب ٥٥ ؛ ك ٣٦ ب ١٠

ما - ك ١٦ ح ٤٢ و ٤٣

حم - أول ص ٣٠٧ و ٣٧٥ ؛ ثان

ص ٤٤١ ؛ ثالث ص ١٢

و ٤٧ و ٩٣ و ١٣٠ و ١٤٣

و ٢١٧ ؛ خامس ص ١٧٩

و ١٨٠

ط - ح ٢٠٤٠

• أَجْرُ الْعِزِّ

بخ - ك ٧٥ ب ٦ و ٧ ؛ ك ٨١ ب ٢٠

مس - ك ١١ ح ٣ - ٥

نس - ك ٢١ ب ٢٣ و ٢٤

حم - أول ص ١٧٣ و ١٧٧ و ١٨٢

و ٤٠٧ ؛ ثان ص ١١٩ ؛

رابع ص ٣٧٥

• مِنْ رَأْيِ مَنْ أَمِيرِهِ شَيْئاً يَكْرَهُهُ

فَلْيَعْتِزْ عَلَيْهِ -

بخ - ك ٩٢ ب ٢

04 EKIM 1994

WENSINCK AREN JEAN, MIFTAHU KUNUZU'S-SUNNE.

Trc: ABDÜLBAKİ MUHAMMED FUAD, BEYRUT 1983. ss. 262 DIA DM NO: 04160.

KISALTMALAR:

بخ = صحيح البخاري، مس = صحيح مسلم، بد = سنن أبي داود، تر = سنن الترمذي، نس = سنن النسائي، مج = سنن ابن ماجه، مي = سنن  
الدارمي، ما = موطأ مالك، ز = مسند زيد بن علي، عد = طبقات ابن سعد، حم = مسند احمد بن حنبل، ط = مسند الطيالسي، هش = سيرة ابن  
هشام، قد = مغازي الواقدي

Saber -

## الصبر

MS THAMAZ 2001

لغة: حبس النفس عن الجزع.

واصطلاحاً: ترك الشكوى من ألم

البلوى لغير الله.

ويتطلب الصبر قدرة على الاحتمال وضبط النفس، وإيماناً بالغاية والهدف، كما يتطلب ممارسة على السيطرة على هوى النفس وانفعالاتها، وعلى الرجوع إلى العقل والتروى في مواجهة الشدائد والأزمات، ولهذا وردت في القرآن الكريم آيات كثيرة تحث عليه، منها قوله تعالى: ﴿واصبر على ما أصابك إن ذلك من عزم الأمور﴾ (لقمان ١٧).

وقد وصف الله المؤمنين بالصبر، فقال تعالى: ﴿والذين صبروا ابتغاء وجه ربهم﴾ (الرعد ٢٢) فهو ليس استسلاماً للذل والمهانة وليس سلبية في مواجهة الباطل، بل ضبط النفس والتحمل في سبيل أداء ما يجب على المرء أدائه ابتغاء وجه الله؛ إذ يصبر رب الأسرة في رعاية أسرته وتوجيهها، والموظف في أداء وظيفته، والقاضي في سبيل تحرى العدل، والحاكم في سبيل إحقاق الحق، وإقرار الطمأنينة والأمن، والفرد في سبيل سيطرة حكيمته على هواه، والأم في سبيل رعاية أولادها، وسلامة صحتهم وعقولهم... إلخ.

بل إنه قُرنَ بالصلاة والمرابطة في قوله تعالى: ﴿يا أيها الذين آمنوا استعينوا بالصبر والصلاة إن الله مع الصابرين﴾ (البقرة ١٥٣) وقوله تعالى ﴿يا أيها الذين آمنوا اصبروا وصابروا ورابطوا واتقوا الله لعلكم تفلحون﴾ (آل عمران ٢٠٠).

أ. د/ محمد شامة

مراجع الاستزادة

١- لسان العرب لابن منظور.

٢- التعريفات للجرجاني.

٣- من مفاهيم القرآن في العقيدة والسلوك. د/ محمد البهي - القاهرة سنة ١٩٧٣م.

٤- الإسلام بين ودينا - د/ محمد شامة - القاهرة ١٩٨٨م.

STVDIA ISLAMICA, LXXIX,  
1994, Paris, s. 51-78.

Doqsi / Kitabo  
Kutubxanada Mawcullat

- Sabr

PATIENCE (ṢABR)  
ET RÉTRIBUTION DES MÉRITES  
GRATITUDE (SHUKR)  
ET APTITUDE AU BONHEUR  
SELON AL-ḤAKĪM AL-TIRMIDHĪ  
(M. 318/930)

Geneviève GOBILLOT

Dans l'une de ses notes, relative au texte de l'ouvrage de Sulamī : « Introduction à la mystique »<sup>(1)</sup>, l'éditeur, Y. Zaydān, estime nécessaire de souligner qu'un aphorisme portant sur la chevalerie spirituelle (*fuluwwa*) a attiré son attention par un aspect insolite dont il propose l'explication afin d'éviter cette difficulté au lecteur.

Le texte en question est le suivant : « Muḥammad b. 'Alī al-Tirmidhī a dit : Il est totalement étranger à la chevalerie spirituelle de réclamer une rétribution pour l'acte accompli. En effet, celui qui demande, en vertu de son acte, une compensation équivalente ou un salaire met en évidence la bassesse de son âme et son ignominie. N'as-tu pas vu ce qu'ont dit les magiciens de Pharaon lorsqu'ils se sont présentés devant lui ? : 'Sans doute recevrons-nous une récompense si nous sommes vainqueurs' <sup>(2)</sup>. Ils lui ont demandé un salaire. En vérité, c'est une punition qui est venue annihiler l'effort (de leur maître) »<sup>(3)</sup>.

(1) Sulamī (Abū 'Abd al-Raḥmān), *Al-muqaddima fi-l-laṣawwuf*, éd. par Yūsuf Zaydān, Maktabat al-Kulliyat al-Azhariyya, Le Caire, 1987.

(2) Coran, sourate *al-A'rāf*, verset 113.

(3) *Al-muqaddima fi-l-laṣawwuf* p. 58.

20 TEMMUZ 1994

المعنى

SABIR

• أَخْرَجُ مِنْ ابْتِلَاءٍ بِحَبِيدَتَيْهِ ثُمَّ

صَبْرًا -

تر - ك ٣٤ ب ٥٨

می - ك ٢٠ ب ٧٦

حم - نالك ص ١٤٤ و ١٥٦

و ١٦٠ و ٢٨٣؛ خامس ص

٢٥٨ قاسدس ص ٣٦٥

\* مَلْعُونٌ مِّنْ كَلِمَةٍ أَعْمَى عَنْ

الطَّرِيقِ -

حم - أول ص ٢١٧ و ٣٠٩ و ٣١٧

WENSINCK AREN JEAN, MIFTAHU KÜNUZÜ's-SÜNNE,

Trc: ABDÜLBAKİ MUHAMMED FUAD, BEYRUT 1983. ss . 365 DIA DM NO: 04160.

KISALTMALAR:

بخ = صحيح البخاري، مس = صحيح مسلم، بد = سنن أبي داود، تر = سنن الترمذي، نس = سنن النسائي، مج = سنن ابن ماجه، می = سنن  
الدارمي، ما = موطأ مالك، ز = مسند زيد بن علي، عد = طبقات ابن سعد، حم = مسند احمد بن حنبل، ط = مسند الطيالسي، هش = سيرة ابن  
هشام، قد = مغازي الواقدي

04 EKİM 1994

A 2732

With compliments,

Avner

25.4.91

THE JEWISH QUARTERLY REVIEW, LXXX, Nos. 1-2 (July-October, 1989) 35-48

Sabir

**ṢABR (STEADFASTNESS) OF BEREAVED PARENTS:  
A MOTIF IN MEDIEVAL MUSLIM  
CONSOLATION TREATISES  
AND SOME PARALLELS  
IN JEWISH WRITINGS\***

By AVNER GIL<sup>c</sup>ADI, University of Haifa

In memory of  
Professor Eliezer Rubinstein

**ABSTRACT**

*Aḥmad ibn Abī Ḥajalah, who lived in Egypt, and Muḥammad ibn Nāṣir al-Dīn al-Qaysī of Damascus, are the authors of consolation treatises composed for bereaved parents in the fourteenth and fifteenth centuries respectively. In their efforts to praise the steadfastness (ṣabr) of parents who have lost their offspring, both authors include in their compilations a narrative, taken from ḥadīth collections, about a mother from the first generation of Muslims who, as a steadfast believer (ṣābirah), refrains from telling her husband that their young son is dying until after she conceives anew on the following night. As a parallel they present another story, also attributed to the prophet Muḥammad, in which the merits of a Jewish woman are commended for the same reason. The appearance of these two heroines in Muslim consolation treatises from the late Middle Ages indicates the existence of a similar pattern of narratives in both Jewish and Muslim medieval cultures.*

*In addition to the relevant Muslim sources such as ḥadīth reports with their various versions of the story, and the late consolation treatises in which the story was interwoven, this study also deals with the pattern of the narrative as it appears, in several versions, in Jewish sources, Avot de-Rabbi Nathan, Midrash Proverbs, and R. Nissim ben Jacob's al-Faraj ba'd al-shidda.*

*Due to the difficulties in establishing the exact date of the first two Jewish sources, it is impossible to identify precisely the origin of the story and the stages of the consolidation of its various versions. Nevertheless, it seems reasonable to assume that the pattern was consolidated through a process of elements exchanged between Jewish and Muslim sources, although each group retained some characteristic elements of its own.*

\* This paper is a by-product of a larger study of children and childhood in medieval Muslim society. For a more detailed account of this study see A. Gil<sup>c</sup>adi, "Concepts of Childhood and Attitudes towards Children in Medieval Islam: A

11 7 MAYIS 2007

الثامن: الوصية بالإشهاد.

التاسع: التواصي بالحق والصبر والمرحمة.

أما الباب الثاني: وصايا موضوعية، ويشمل تمهيداً وستة فصول.

أما التمهيد فقد بين فيه المراد بالوصايا الموضوعية.

- وأما الفصل الأول ففي النهي عن الشرك، تبين الشرك وأصناف المشركين، ومنهج القرآن في إبطال الشرك.

- وأما الفصل الثاني: ففي الأمر بالإحسان إلى الوالدين وبرهما.

- والفصل الثالث: النهي عن الذنوب من الفواحش، بحث ومعنى

الفاحشة، النهي عن قتل الأولاد، النهي عن القتل، صيانة مال

اليتيم، العدل والوفاء، التمسك بالكتاب والسنة.

وأما الخاتمة فقد لخص فيها ما توصل إليها من نتائج، ومنها:

أ - الوصية معروفة عند اليهود والنصارى، وقد ذكرت في العهد القديم.

ب - كانت المرأة في الجاهلية تعتد سنة كاملة بعد موت زوجها، تعيش في بيت حقير، لا تتغسل ولا تتنظف، وقد هذب الإسلام ذلك جميعه.

ج - الوصية لوارث منسوخة بآيات الموارث، وبقوله ﷺ: «لا وصية لوارث».

د - يجب العدل بين الناس، وحفظ حقوقهم المادية والمعنوية.

هـ - يجب التمسك بالكتاب والسنة، وترك البدع والأهواء.

- SAHIB  
- SABIR  
- HAK  
- TAKAK  
- 'ODET  
- MIRAS  
- LOKMAN  
- IBRAHIM  
- VASIYET

- AHID  
- HDL  
- MAL  
- YETIM  
- KATIL  
- FUKUS  
- SIRK  
- IHSAN

١٠٧ - ٦٩ - ٢

اسم الرسالة : الوصية في القرآن الكريم (دكتوراه).

إعداد الطالب : أنس بن جميل طيارة.

إشراف : الأستاذ سيد أحمد صقر.

تاريخ الرسالة : ١٤٠٠ هـ - ١٩٨٠ م.

مباحث الرسالة : تشمل الرسالة مقدمة وتمهيداً وباين وخاتمة.

ذكر الطالب في المقدمة معنى الوصية لغةً واصطلاحاً، وفي التمهيد تحدث عن الوصية في الكتب السماوية، والوصية عند العرب قبل الإسلام.

أما الباب الأول: «الوصية في القرآن الكريم» فيشمل تسعة فصول:

الأول في بيان الآيات التي ذكرت فيها «الوصية»

الثاني: في وصية ابراهيم.

الثالث: في وصية لقمان.

الرابع: الوصية قبل نزول آية الموارث.

الخامس: آيات الموارث.

السادس: الوصية بالعدة.

السابع: الوصية عند الإطلاق.

26 OCAK 1993





## تسلیة أهل المصاب

لأبي عبد الله محمد بن محمد بن محمد المنيجي الحنبلي  
المتوفى سنة ٧٨٥ هـ

من أنفس ما ألف في التمزية والتأسي  
وكيفية الصبر على المصيبة، وما أعد الله  
على الاحتساب من جزيل الأجر وما ورد  
من ذلك في كتاب الله تعالى وسنة رسوله  
ﷺ وأقوال الصحابة والتابعين.

شرح وتعليق  
محمد حسن الحمصي

دار الرشيد  
دمشق - بيروت

مؤسسة الأيمان  
بيروت - لبنان

1407/1986

Bele (kapalı)  
Ağıt (64 vcd.)  
Sabır (171 vcd.)  
Ruh (267 vcd.) Kette 170453

26 EYLÜL 1995

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



07 MART 1996

# مقياس الصبر على المكروه

## كوسيلة يستخدمها الأخصائي الاجتماعي في تشخيص العملاء بالمؤسسات الاجتماعية

د. سلمى بنت عبد الرحمن  
ابن محمد الدوسري  
أستاذ مساعد بكلية الخدمة الاجتماعية للبنات  
الرياض - المملكة العربية السعودية

### مقدمة :

أن أول ما يجب على الإنسان هو التعرف على الله سبحانه وتعالى والتقرب إليه ولن يتم له ذلك إلا عن طريق العلم والإيمان بالله سبحانه وتعالى الذي لا إله إلا هو لتحقيق الفوز والسعادة في الحياة الدنيا والرضاء بقضاء الله والفوز بالجنة في الآخرة.

وحيث وعد الله المؤمن بقضاء الله وقدره بالجنة والفوز العظيم فقد أوضح رسول الله ﷺ فضل الصبر بقوله «عجباً لأمر المؤمن أن أمره كله خير وليس ذلك لأحد إلا للمؤمن إن أصابته سراء شكر فكان خيراً له، وإن أصابته ضراء صبر فكان خيراً له» رواه مسلم.

وأيضاً قول الرسول صلى الله عليه وسلم يقول الله تعالى ما لعبدى المؤمن عندي جزاء إذا قبضت صفيه من أهل الدنيا ثم أحسبته إلا الجنة. رواه البخاري.

أيضاً قول الرسول صلى الله عليه وسلم عندما سألته عائشه رضي الله عنها عن الطاعون فأخبرها أنه كان عذاباً يبعثه الله على من يشاء فجعله الله تعالى رحمة للمؤمنين فليس من عبد يقع في الطاعون فيمكث في بلده صابراً محتسباً

298-293

Sabur

11 Ocak 2009

مجلة الجامعة الإسلامية, العدد. 33, 2002 / 1422 القاهرة, D03333

MAKBUZ KUTUPHANESİ  
SONRA GÖLEN DÖRÜMAN



امام علی (ع)، علی بن ابی طالب (۲۳ قبل از  
هجرت - ۴۰ ق)

۱۷۲ - صبر، ترجمه مرتضی محسنی کبیر،  
تهران: فردایه، چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه، ۷۵ ص،  
فارسی و عربی، رقمی (شمیز)، بها: ۳۰۰۰ ریال.

فروست: یا نهج البلاغه آشنا شویم

تالیف: علی بن ابی طالب

شابک: X-۲۳-۶۸۲۴-۶۶۴

کتابخانه

کنگره: BP۳۸/۰۴۲/M۳

کد پارسا: E۲۱۱۸۱

صبر - در قرآن و حدیث؛ نهج البلاغه -

موضوع شناسی - مباحث اخلاقی (حدیث)

# Public Duties in Islam

The Institution of the *Hisba* *popetinde*

by

al-Shaykh al-Imām Ibn Taymīya

Translated from the Arabic

by

MUHTAR HOLLAND

Introduction and  
editorial notes by

KHURSHID AHMAD

**The Islamic Foundation**

Sabir, 26, 79, 87-8, 90, 95, 101-3,  
106-7, 109-10, 125-7.